

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۹ (بایز و زمستان ۱۴۰۰) شماره صفحات: ۲۱۳ - ۲۵۲

بررسی چندمعنایی فعل‌های مرکب فارسی با همکرد گرفتن بر اساس نظریه صرف ساختی

پریا رزم‌دیده^۱، محمد حسن شاهی راویز^۲

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران.

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران.

چکیده

جستار پیش‌رو به دنبال آن است الگوهای شکل‌گیری فعل‌های مرکب همراه با همکرد گرفتن را در چارچوب نظریه صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰ الف و ب) واکاوی و چندمعنایی موجود در آن‌ها را بررسی کند. در جمع‌آوری داده‌های پژوهش که پیکره‌ای حاوی ۳۰۰ فعل مرکب همراه با همکرد «گرفتن» است، از فرهنگ زانسو (کشانی، ۱۳۷۲)، فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱)، فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی (رسولی و همکاران، ۲۰۱۱)، فرهنگ املائی خط فارسی (صادقی و زندی‌مقدم، ۱۳۹۴) و فرهنگ واژه‌یاب برخط فارسی استفاده شده است. جهت تبیین چندمعنایی فعل‌های مرکب مورد نظر و شناخت الگوی ساخت آن‌ها، با پذیرش ایده «واژگان پایگانی» و کمک گرفتن از مفهوم طرح‌واره ساختی و زیرطرح‌واره ساختی، تمامی معانی متمایز به هر الگوی شکل‌گیری این افعال در قالب زیرطرح‌واره ساختی مجزا ترسیم شد. هر چند این زیرطرح‌واره‌های ساختی نیز در سطوح مختلفی از انتزاع قرار دارند. بنا به مفاهیم وراثت پیش‌فرض انگ‌بختگی و سلسله‌مراتبی بودن واژگان، همه زیرطرح‌واره‌های ساختی تحت یک طرح‌واره ساختی بسیار انتزاعی و کلی مرتبه بالا قرار می‌گیرد. نتایج نشان داد تحلیل چندمعنایی واحدهای زبانی در چهارچوب صرف ساختی، رویکردی شناختی، ساخت‌بنیاد و «واژه‌بنیاد» است که در سطح انتزاعی طرح‌واره ساختی اتفاق می‌افتد. برای افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن هفت طرح‌واره ساختی کلی شناسایی و ترسیم شد که هر کدام به چندین زیرطرح‌واره ساختی تقسیم می‌شدند. در نهایت، شبکه پایگانی و سلسله‌مراتبی کامل از این طرح‌واره‌های ساختی ارائه می‌شود.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۰

پذیرش: ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

چندمعنایی
صرف ساختی
طرح‌واره ساختی
فعل مرکب
همکرد گرفتن

۱. مقدمه

واژگان زبانی ابزارهایی هستند که بشر بنا به مقتضیات زیست اجتماعی خود از آنها استفاده می‌کند تا بتواند در انتقال ایده‌ها و مفهومی‌های مختلف در قالب کلمات بهره جوید. از جهتی بنا به همین مقتضیات اجتماعی جامعه بشری، زبان‌ها همیشه نیاز به تولید واژه‌های جدید دارند که این موضوع توسط دستگاه واژه‌سازی زبان انجام می‌شود. از این رو، واژگان زبان زایایی و پویایی بسیاری دارند. زایایی را می‌توان به معنای توانایی تولید صورت‌های جدید بر اساس قواعد موجود در آن زبان در نظر گرفت که در تمامی بخش‌های زبان، از جمله حوزه ساخت‌واژه، وجود دارد (امیرارجمندی و عاصی، ۱۳۹۲: ۱). زبان فارسی نیز از این موضوع مستثنی نیست، ویژگی زایایی را در واژگان خود دارد و هم‌روزه شاهد تولید واژگان جدید فارسی هستیم. در فعل‌های فارسی، زایایی اغلب در فعل‌های مرکب مطرح است. از میان افعال فارسی، زایاترین و پویاترین، فعل‌های مرکب هستند، زیرا به سبب داشتن یک فعل‌یار (جزء غیرفعلی فعل مرکب) می‌توانند مفاهیم مختلفی را برای یک همکرد^۱ (جزء فعلی فعل مرکب) داشته باشند. همین پویایی و تفاوت در مفاهیم جدید فعل‌یارها سبب بروز چندمعنایی بین فعل‌های مرکب می‌شود. چندمعنایی معرف شرایطی است که یک واحد زبانی از چند معنی برخوردار باشد (لوبنر^۲، ۲۰۱۳: ۴۳) به شرط آن که ارتباطی نظام‌مند بین معناها گوناگون آن واحد زبانی باشد (بوی^۳، ۲۰۰۷: ۲۳۷-۲۳۶). چندمعنایی در سطوح مختلف زبان اتفاق می‌افتد، اما در سطح واژه‌ها شایع‌تر از سایر سطوح است به همین سبب، اغلب مطالعه این موضوع در حوزه ساخت‌واژه رخ می‌دهد (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴). صرف ساختی^۴ (بوی، ۲۰۱۰ الف و ب) یکی از رویکردهای جدیدی مطرح‌شده در ساخت‌واژه است. صرف ساختی چارچوبی برای بررسی انواع الگوهای ساخت‌واژه‌ی و واژه‌سازی است که پژوهشگران مختلف حوزه ساخت‌واژه به معرفی و تکامل نظری آن همت گماشته‌اند (بوی، ۲۰۱۰ الف و ب، جکندوف^۵، ۲۰۰۷؛ کولی‌کاور و جکندوف^۶، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶).

^۱ light verb

^۲ S. Loebner

^۳ G. Booij

^۴ Construction Morphology

^۵ R. Jackendoff

^۶ P. W. Culicover

پژوهش حاضر با هدف بررسی نحوه شکل‌گیری فعل مرکب فارسی همراه با همکرد گرفتن است. برای نیل به این هدف از نظریه صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰ الف و ب) استفاده می‌شود و چندمعنایی این فعل‌های مرکب بر اساس سازوکارهای مفهومی تبیین می‌شود که در این دیدگاه شناختی وجود دارد. فعل مرکب از دیرباز مبحث پرچالش و بحث‌برانگیزی در زبان فارسی بوده است، اما تا به حال از این منظر به آن پرداخته نشده است. از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر شناسایی و واکاوی طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های حاکم بر نحوه شکل‌گیری و چندمعنایی فعل‌های مرکب همراه با همکرد گرفتن بر اساس رویکرد صرف ساختی است.

در ادامه پس از مقدمه پیش‌رو، در بخش دوم پیشینه پژوهش ارائه می‌شود. بخش سوم، چارچوب نظری پژوهش، شامل مبانی نظری در باب صرف ساختی، طرح‌واره‌های ساختی و همچنین روش پژوهش است. در بخش چهارم، تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه صرف ساختی به شناسایی طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی مربوط به افعال مرکب موردنظر پرداخته می‌شود و روابط سلسله‌مراتبی بین آن‌ها و شبکه‌های پایگانی چندمعنایی ساختی آن‌ها تبیین می‌شود. در پایان بخش پنجم، به بحث درباره یافته‌های پژوهش و ارائه نتایج اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

فعل مرکب در زبان فارسی مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان و دستورنویسان ایرانی و غیرایرانی قرار گرفته است و هر یک از پژوهشگران گونه‌ای از فرایندهای مختلفی که فعل مرکب از آن شکل می‌گیرد از قبیل: انضمام (بیکرا، ۱۹۸۸: ۶۸، ۱۹۹۶: ۲۹۸-۲۹۱؛ میتون، ۱۹۸۴: ۸۴۸؛ دبیرمقدم، ۱۳۸۴)، ترکیب (لازار، ۱۳۹۳؛ حق‌شناس، ۱۳۸۷؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۱۴۰؛ خیام‌پور، ۱۳۷۳: ۶۹؛ خانلری، ۱۳۹۲: ۱۷۷-۲۳۹؛ باطنی، ۱۳۹۲: ۷۹؛ انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۹۲)، همکرد و نقش و نوع فعل سبک را به روش‌های متفاوت بررسی کرده‌اند و نشانه‌هایی را برای تشخیص و تمیز آن‌ها ارائه داده‌اند. این مطالعات در نتایجی که در پژوهش خود به دست آورده‌اند بعضی آن‌ها را فرایندی واژگانی، بعضی صرفی و عده‌ای نیز آن را فرایندی صرفی نحوی

¹ M. C. Baker

² M. Mithun

خوانده‌اند و - همچنین تفاوت‌هایی را برای تمیز افعال مرکب انضمامی و ترکیبی قائل شده‌اند. در پژوهش‌های فعل مرکب بیش‌تر نگاه‌ها از سوی معناشناسی بوده‌اند و از دید دستور شناختی کم‌تر به این موضوع پرداخته شده است. فامیلی^۱ (۲۰۰۶) دست به مطالعه فضای معنایی فعل‌های سبک در زبان فارسی زده است. او (۲۰۰۶) معتقد به ضعف در بعد معنایی فعل سبک است. به همین دلیل ترکیب با یک سازه غیرفعلی را برای آن جایز می‌داند تا مفهوم فعلی کاملی را تشکیل دهد. در نتیجه، این ترکیب فعلی هیچ‌کدام از معانی فعلی ترکیبی یا تماماً اصطلاحی را ندارند. همچنین در بررسی انگاره فضای معنایی فعل‌های سبک در زبان فارسی به مطالعه فعل‌های مرکب با همکردهای «خوردن»، «گرفتن»، «زدن» و «دادن» پرداخته می‌شود. فامیلی (۲۰۰۶) فعل‌های مرکب زبان فارسی را بر روی پیوستاری در نظر می‌گیرد که در یک طرف آن شفافیت معنایی در نتیجه ترکیب‌پذیری معنایی وجود دارد و در طرف دیگر معنای اصطلاحی است. در پژوهشی دیگر، گندمکار (۱۳۸۸) به بررسی معنایی افعال مرکب اندام‌بنیاد در زبان فارسی می‌پردازد. در این پژوهش، از طرح‌واره‌های تصویری کمک می‌گیرد که در معناشناسی شناختی مطرح است، تا ثابت کند عامل اصلی شکل‌گیری طرح‌واره‌های تصویری، هسته معنایی افعال مرکب اندام‌بنیاد است و اختلاف در مؤلفه‌های معنایی هسته معنایی این افعال سبب تمایز میان انواع طرح‌واره‌ها می‌شود. در همین راستا، شریفی (۱۳۹۰) با طرح‌واره‌های تصویری حجمی، حرکتی و قدرتی به بررسی افعال مرکب می‌پردازد. بر اساس این مطالعه، تمامی افعال مرکب اندام‌بنیاد دارای معنای استعاری هستند. علت تعبیر استعاری و ساخت طرح‌واره این افعال، هم‌نشینی نام اندام‌های بدن با همکرد فعلی و گاهی سازه‌های همراه است که در اغلب گروه حرف‌اضافه‌ای به آن‌ها اضافه می‌شود. در بررسی چندمعنایی فعل مرکب، کریمی‌دوستان و روحی‌بایگی (۱۳۹۵) ادعا می‌کنند چند معنایی فعل (زدن) بر اساس مطالعه فعل سنگین مانند آن، نمودی نظام‌مند است و سازوکارهای شناختی نظیر استعاره مفهومی، مقوله‌بندی و طرح‌واره‌های تصویری در ایجاد معانی متفاوت عنصرهای زبانی به شکل یک مقوله شعاعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این بدین معناست که این سازوکارها در چندمعنایی فعل زدن یک مقوله معنایی را ایجاد می‌کنند. بعضی از این

¹ N. Family

معانی برای مثال معنای در زدن، گردن‌زدن یا سیلی‌زدن به معنای سرنمون نزدیک و بعضی از آن‌ها مانند حرف‌زدن، کنایه‌زدن، تیپ‌زدن یا چشمک‌زدن دورتر از معنای سرنمون قرار می‌گیرند. با توجه به مشاهدات نگارندگان، تاکنون پژوهشی در مورد افعال مرکب در چارچوب صرف ساختی انجام نشده است. در صرف ساختی پژوهش‌هایی در زبان فارسی انجام شده‌اند که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. رفیعی (۱۳۹۱) از اولین محققانی است که به معرفی این نظریه در الگوهای واژه‌سازی زبان فارسی می‌پردازد. در همین راستا، رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) با اشاره به مفاهیم طرح‌واره ساختی، وراثت پیش‌فرض^۱ و انگیزشی مدرج به مطالعه سه الگوی واژه‌سازی «-زار»، «-ش» و «آمیز» در زبان فارسی پرداخته‌اند. رویکرد صرف ساختی با کنارگذاشتن ایده ماهیت قاعده‌بنیاد فرآیندهای واژه‌سازی و جایگزین کردن ایده طرح‌واره‌هایی که بر اساس رابطه نظام‌مند صورت-معنی شکل می‌گیرند، از ماهیت کاربردمحور برخوردار است و دیدگاه قابل‌قبول‌تری درباره فرآیندهای واژه‌سازی زبان در اختیار می‌گذارد. نتایج پژوهش رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) نشان داد در نظر گرفتن مفهوم وراثت پیش‌فرض، نقش انگیزشی و مدرج طرح‌واره‌های ساختی سبب می‌شود الگوهای ساخت‌واژی الگوهای ایستا و غیر قابل‌تغییر نباشند و مقوله‌های واژگانی پویا و جدیدی از آن‌ها حاصل شود. همچنین، بامشادی و قطره (۱۳۹۶) و بامشادی و همکاران (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از رویکرد بوی (۲۰۱۰) به ترتیب به بررسی طرح‌واره‌های ساخت‌واژه‌ای پسوندهای «-ی» و «-انه» در زبان فارسی پرداخته‌اند. ارکان^۲ و صفری^۳ (۲۰۱۷) نیز در بررسی صرف ساختی اسم‌های مرکب زبان فارسی را تحلیل کرده‌اند. آن‌ها (۲۰۱۷) معتقدند در این چهارچوب، با هر دو نوع اسم مرکب، شامل اسم‌های مرکب درون‌مرکزی و برون‌مرکزی، تقریباً مشابه رفتار می‌شوند، زیرا ساخت اسم مرکب به عنوان طرح‌واره‌ای کل‌نگر، نقش اصلی را در تعیین ویژگی‌های نحوی و محتوای معنایی اسم‌های مرکب، نه اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها، ایفا می‌کند. طبق یافته‌های این پژوهش، تحلیل اسم‌های مرکب زبان فارسی بر اساس صرف ساختی، میزان عمومیت را در تشکیل اسم مرکب افزایش می‌دهد و مفهوم

^۱ default inheritance

^۲ F. Arkan

^۳ A. Safari

کل‌نگری^۱ را در شکل و معنای اسم‌های مرکب توسعه می‌دهد. همچنین رابطهٔ جانشینی را در الگوهای تشکیل اسم مرکب فارسی برجسته می‌کند.

رزم‌دیده و خیرمند (۱۳۹۹) نیز به چندمعنایی واژه‌های پیچیدهٔ مختوم به نامه پرداخته‌اند و طرح‌واره‌های تصویری، مجاز و استعاره را سه سازوکار اصلی می‌دانند که در چندمعنایی این واژه‌ها دخیل هستند. آن‌ها با رسم طرح‌واره‌های ساختی واژه‌های مختوم به «نامه» به این نتیجه رسیدند که نامه در این واژه‌ها حالتی بینابین در ترکیب و اشتقاق دارد و آن را به‌عنوان «شبه‌وندی» در مسیر دستوری‌شدگی قرار می‌دهند.

همچنین اسدی (۱۳۹۹) به بررسی ترکیب‌های برون‌مرکز سه جزئی زبان فارسی (به جز دوگان‌سازی و نام‌آواها) در چارچوب نظریهٔ صرف ساخت پرداخته است. این مطالعه به بررسی محتوای استعاری و معنایی ترکیب‌های برون‌مرکز سه‌جزئی، الگوهای واژه‌سازی ناظر بر آن‌ها بر اساس مفهوم «ساخت» و «طرح‌واره‌های ساختی» می‌پردازد و آن‌ها را در قالب ۱۰ رابطهٔ معنایی طبقه‌بندی می‌کند. بر اساس یافته‌ها، بین میزان شفافیت معنایی یک ساخت در زبان فارسی با بسامد وقوع و زایایی آن رابطهٔ مستقیمی وجود دارد. در اثری دیگر، بامشادی و همکاران (۱۴۰۰) در جست‌وجوی الگوهای واژه‌سازی سه پسوند اشتقاقی «-کده»، «-ستان» و «-زار» فارسی در دیدگاه صرف ساختی به کمک طرح‌واره‌های ساختی و مفهوم ساخت توانسته‌اند چندمعنایی واژه‌های مربوط را تحلیل و درخت وارث و شبکهٔ پایگانی آن‌ها را ارائه کنند.

۳. مبانی نظری پژوهش

از آن‌جا که پژوهش پیش رو بر مینا و پایهٔ نظریهٔ صرف ساختی استوار است، در این بخش به کلیدی‌ترین مفاهیم و اصولی پرداخته می‌شود که در واکاوی و تحلیل داده‌ها به کار می‌روند. بعد از آن، روش پژوهش توضیح داده شده است.

^۱ holisticity

۳-۱. صرف ساختی

صرف ساختی یا ساخت‌واژه ساخت‌بنیاد^۱ (بوی، ۲۰۰۹؛ ۲۰۱۰ الف و ب؛ ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۳، ۲۰۱۴) یکی از زیرشاخه‌های جدید از دستور شناختی است که نگاهی ساخت‌بنیاد به واژه‌ها دارد. در صرف ساختی که بحث در مورد ساختار واژه‌ها است، هر یک از واژه‌های یک زبان به عنوان یک ساخت^۲ در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی به صورت جفت‌های نظام‌مند صورت^۳ و معنا^۴ تحلیل می‌شوند. به عبارت دیگر، این رویکرد دیدگاهی کلی‌نگر و یکسان نسبت به واژه‌ها دارد و آن‌ها را به عنوان نشانه‌هایی مانند نشانه سوسوری^۵ می‌داند که رابطه قاعده‌مندی را میان صورت و معنا ایجاد می‌کنند. جکندوف (۲۰۰۷) و کولی‌کاور و جکندوف (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) معتقدند این جفت‌ها در یک مفهوم معماری موازی سه‌جانبه از دستور زبان تحلیل می‌شوند؛ یعنی در سطح واژه‌ها، صورت-معنی حاصل جفت‌شدگی سه نوع اطلاعات معنایی، واجی و واژی-نحوی است. این امر مستلزم رویکردی مبتنی بر کلمه برای تحلیل ساختار صرفی و وابستگی شدید به روابط جانشینی^۶ بین کلمات است. بوی (۲۰۱۰) تمامی اطلاعات و ویژگی‌های هر واحد ساختی به مثابه نشانه زبانی را به شکل (۱) بازنمایی می‌کند.



شکل (۱). ساخت در رویکرد صرف ساختی (کرافت^۷، ۲۰۰۷: ۴۷۲)

^۱ construction-based

^۲ construction

^۳ form

^۴ meaning

^۵ همان‌طور که لانگاکر (۱۹۸۷) در انگاره دستور شناختی به آن بازمی‌گردد، بر عدم تقدم و تأخر صورت و معنی بر یکدیگر تأکید دارد.

^۶ paradigmatic relations

^۷ W. Croft

در این رویکرد واژگان شامل کلمات و طرح‌واره‌های ساختاری هستند که نمونه‌هایی از آن‌ها می‌باشند. کلمات و طرح‌واره‌ها در یک شبکه سلسله‌مراتبی با لایه‌های میانی زیرطرح‌واره‌ها سازماندهی شده‌اند. این طرح‌واره‌ها با توجه به کلمات پیچیده موجود، عملکرد انگیزشی دارند و نحوه تشکیل کلمات پیچیده جدید را مشخص می‌کنند.

گلدبرگ^۱ (۲۰۰۹: ۱۰۱) معتقد است نباید به بررسی ویژگی‌های صوری یا معنایی ساخت‌ها بسنده کنیم؛ بلکه در دستور صرف ساختی، این بررسی به روش خاصی انجام می‌شود و الگوهای ساخت‌واژه‌ای را از طریق طرح‌واره‌های ساختی تبیین می‌کنند. همین طرح‌واره‌بنیان بودن این نظریه، آن را از دیگر نظریه‌های حوزه ساخت‌واژه متمایز می‌کند. در صرف ساختی با الگوهای پیچیده‌تر و بزرگ‌تر از واژه همانند واژه‌ها برخورد می‌شود. صرف ساختی ساختار واژگان را نظام‌مند و سلسله‌مراتبی می‌داند. یعنی عبارت‌های چندواژه‌ای در کنار واژه‌های ساده و غیرساده، مجموعه واژگان را تشکیل می‌دهند. این واژگان مستقل از هم نیستند و با یکدیگر در شبکه‌ای از روابط پایگانی و سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرند. طرح‌واره‌های ساختی الگوهای تعمیمی نشان‌دهنده نحوه شکل‌گیری واژگان مشابهی هستند که می‌توانند به‌طور نظام‌مند در صورت و معنی متفاوت باشند. این طرح‌واره‌ها به‌طور انتزاع در ذهن شکل می‌گیرند. این الگوهای انتزاعی در سطح بازنمایی انگاره خواهند بود. آن‌ها جفت‌شدگی نظام‌مند هم‌بسته‌های صورت و معنی مقوله‌های ساخت‌واژه‌ای پیچیده را به دست می‌دهد. از این رو، طرح‌واره ساختی هم‌الگویی برای نشان‌دادن رابطه شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی بین واژگان مشابه و هم‌نشان‌دهنده الگوی ساخت واژگان جدید مشابه است (بوی، ۲۰۱۰ الف). واژگان پیچیده جدیدی که طی یک عملیات دستوری در طرح‌واره‌های ساختی تولید می‌شوند و در واژگان ذهنی زبان‌وران ذخیره می‌شوند.

صورت و معنای برون‌داده‌های یک طرح‌واره ساختی تاحدی پیش‌بینی‌پذیر هستند. البته این‌گونه نیست که فقط یک طرح‌واره ساختی کلی داشته باشیم و محدود به آن شویم بلکه زیرطرح‌واره‌هایی در سطحی عینی‌تر قرار دارند که در زیرمجموعه طرح‌واره ساختی قرار می‌گیرد که مفهوم وراثت پیش‌فرض در اینجا مفروض است. وراثت پیش‌فرض یعنی سطوح زیرطرح‌واره‌ها

¹ A. E. Goldberg

وارث خصوصیات صوری و معنایی طرح‌واره‌های بالاتر از خود خواهند بود؛ مگر این‌که مدخل واژگانی یک واژه منفرد، خود، دارای مشخصات دیگری برای آن ویژگی باشد (بوی، ۲۰۱۰: ۲۷). طبق این مفهوم گاهی اوقات بعضی از نمونه‌یافته‌های یک طرح‌واره ساختی می‌توانند خصوصیات آن را نادیده بگیرند. بوی (۲۰۱۳) به مفهوم نقش انگیزشی وراثت نیز اشاره دارد. انگیزختگی^۱ یعنی رابطه بین طرح‌واره و واژه‌های وابسته آن از نوع انگیزخته است (بوی، ۲۰۱۳). واژه‌های پیچیده و وابسته به یک زیرطرح‌واره ساختی می‌توانند از جهت صورت و معنا از آن منتج شوند. اما انگیزختگی ماهیتی مدرج دارد. گاهی در برخی از نوواژه‌ها، رابطه صورت و معنی آن‌ها کاملاً منطبق بر طرح‌واره ناظر نیست، اما با این حال وابسته به آن طرح‌واره بالاتر از خود است.

۲-۲. روش پژوهش

داده‌های این پژوهش شامل ۳۰۰ فعل مرکب همراه با همکرد «گرفتن» هستند که از فرهنگ زانسو (کشانی، ۱۳۷۲)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱)، فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی (رسولی و همکاران، ۲۰۱۱) و فرهنگ املائی خط فارسی (صادقی و زندی‌مقدم، ۱۳۹۴) جمع‌آوری شده‌اند. در جمع‌آوری نوواژه‌ها از روش استخراج اطلاعات^۲ توسط خزنده‌ها^۳ و از سایت فرهنگ واژه‌یاب برخط فارسی^۴ بهره گرفته شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، خالص‌سازی و پالایش^۵ تمام داده‌های جمع‌آوری‌شده، براساس دسته‌بندی‌های معنایی فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱)، رساله دکتری فامیلی (۲۰۰۶) و همچنین شم زبانی نگارنده دسته‌های مفهومی فعل‌های مرکب همراه با همکرد «گرفتن» مشخص شدند. البته به سبب زبانی و پویایی زبان به ویژه در تشکیل فعل مرکب جدید، همواره تعداد زیادی افعال مرکب در حال تشکیل شدن در زبان فارسی هستند که عموماً عمده آن‌ها، افعال مرکب جدیدی هستند که فعل‌یار آن‌ها به واسطه فرآیند

^۱ motivating

^۲ data extraction

^۳ crawler

^۴ <https://farsilookup.com/>

^۵ در میان داده‌ها، افعال اصطلاحی یا پیشوندی توسط نگارنده حذف شدند، تا داده‌ها فقط شامل افعال مرکب فارسی باشند.

قرض‌گیری واژگانی وارد زبان فارسی شده است؛ در مواردی هم‌چون لایوگرفتن، کپی‌گرفتن، پرینت‌گرفتن، بک‌آپ‌گرفتن، لایک‌گرفتن، کامنت‌گرفتن، ویروس‌گرفتن و... این پویایی و زایایی با اصول صرف ساختی و طرح‌واره‌های ساختی مطابقت دارد. سپس طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های مربوط به دسته‌های معنایی به‌دست‌آمده، براساس نظریه صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰ الف و ب) شناسایی و ترسیم شد. طرح‌واره ساختی کلی برای افعال مرکب در زبان فارسی $[X_i Y_j] Y_k$ مطرح است. این طرح‌واره کلی در انتزاعی‌ترین سطح و دارای زیر طرح‌واره‌هایی است که هرچه خاص‌تر شوند، عینی‌تر می‌شوند. زیرطرح‌واره‌ها نمونه‌هایی از طرح‌واره‌ها هستند که معنای آن‌ها مشخص‌تر از معنای طرح‌واره‌ها است.

۴. تحلیل داده‌ها

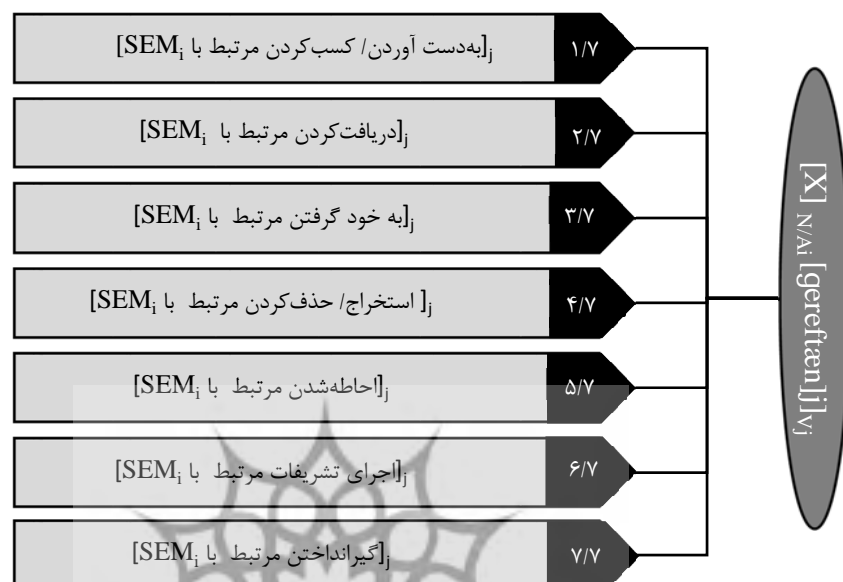
فعل گرفتن از افعال مهم زبان فارسی هست که برای آن در فرهنگ بزرگ انوری (۱۳۸۱): ۶۱۴۰-۶۱۳۵) ۸۲ معنی ذکر شده‌اند. بدین سبب می‌توان گفت فعل سنگین «گرفتن» دارای بیش‌ترین تنوع معنایی بین افعال بسیط زبان فارسی است. البته بسیاری از این معانی ذکر شده را می‌توان جزو افعال مرکب زبان فارسی دانست. معنای سرنمون فعل «گرفتن» در مقام فعل سنگین به معنای «دریافت کردن/نگه‌داشتن» است. فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱: ۶۱۳۵) معنای سرنمونی را «با دست یا با وسیله‌ای چیزی یا کسی را نگه‌داشتن» و «دریافت کردن» معرفی کرده است. در فرهنگ معین (۱۳۸۱: ۱۴۵۰) نیز دو معنی «دریافت کردن/ستاندن» و «به دست آوردن» به عنوان سرنمون این فعل معرفی شده‌اند که معادل انگلیسی آن را می‌توان «to get/ to take» در نظر گرفت (کریمی دوستان، ۱۹۹۷؛ مگردومیان، ۲۰۰۴، فامیلی، ۲۰۰۶). شریف (۱۳۹۴) نیز با کاربست معیارهای انگاره چندمعنایی اصول‌مند برای فعل «گرفتن» به هشت معنی متمایز دست یافته است که به ترتیب دریافت کردن، نگاه‌داشتن، اثرگذاشتن، پوشاندن، وضع یا حالتی پیدا کردن، فرض یا تلقی کردن و اجرا کردن هستند.

¹ G. Karimi-Doostan

² K. Megerdooian

فعل سبک «گرفتن» معمولاً با اسم ترکیب می‌شود اما در مواردی هم با گروه حرف اضافه‌ای ترکیب می‌شود و فعل مرکب می‌سازد. در این دسته از افعال مرکب نیز فرآیند سبک‌شدگی دارای طیفی از شدت و ضعف است (منصوری، ۱۳۹۲). فرآیند سبک‌شدگی در افعال مرکب با همکرد «گرفتن» به گونه‌ای بوده است که دسته‌ای از افعال مرکب، معنای اصلی و واژگانی خود را تا اندازه‌ی زیادی نگه داشته‌اند، به صورتی که اگر جزء فعلی را با یکی از دو فعل «به‌دست‌آوردن» و «دریافت‌کردن» جایگزین کنیم، معنایی نزدیک به معنای فعل مرکب اصلی تداعی می‌شود. برخی از افعال مرکب این دسته عبارتند از بهره‌گرفتن، خبرگرفتن، اسیرگرفتن و رشوه‌گرفتن. در گروهی از افعال مرکب نیز فرآیند سبک‌شدگی با شدت بیشتری همراه است، فعل سبکی بیشتری دارد و از معنای سرنمون خود بیش‌تر فاصله می‌گیرد. میزان دستوری‌شدگی جزء فعلی در این دسته از افعال مرکب نسبت به دسته‌ی قبل بیش‌تر است ولی حداکثری هم نیست. برخی از افعال مرکب این دسته عبارتند از جان‌گرفتن، روحیه‌گرفتن، بوگرفتن، رونق‌گرفتن و فراگرفتن.

حال از آنجا که همکرد «گرفتن» پیوستاری از سبک‌شدگی دارد، مقتضی است که دسته‌بندی جامع و عمیق‌تری برای آن از دیدگاه صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰) ارائه شود. البته در تقسیم‌بندی زیرطرح‌واره‌های ساختی در این طبقه، جزء اسمی فعل‌بار صفت/اسم در نظر گرفته می‌شود. در طبقه‌بندی مفهومی فعل‌های مرکب با همکرد گرفتن، می‌توان آن‌ها را در هفت طرح‌واره ساختی بیان کرد. در ادامه به تبیین زیرطرح‌واره ساختی آن‌ها پرداخته می‌شود.



شکل (۲) هفت طرح‌واره ساختی کلی افعال مرکب فارسی همراه با همکرد «گرفتن»

۴-۱. به‌دست آوردن / کسب کردن

در این طرح‌واره ساختی افعال مرکبی ایجاد می‌شوند که «گرفتن» در آن‌ها توسط فاعل انجام می‌شود و معنای‌شان به معنای سرنمونی این فعل نزدیک‌تر است؛ یعنی در تمامی آن‌ها معنای گرفتن چیزی از کسی نهفته است. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال به این صورت می‌باشد:

$$1. \quad z \text{ [به‌دست آوردن / کسب کردن مرتبط با } SEM_i] \leftrightarrow [X] N/A_i [gereftæn]_j v_j$$

شایان ذکر است که امکان دارد بعضی از افعال مرکب منسوب به این طرح‌واره باشند اما در طبقه‌بندی زیر طرح‌واره‌های ساختی جای نگیرند. این موضوع به سبب سطح بالای زایایی زبان فارسی در واژه‌سازی است. البته دسته‌بندی بعضی از افعال مرکب نیز که توسط سازوکارهای

مفهومی مانند مجاز، پسامجاز^۱، استعاره، پساستعاره^۲ و گسترش‌ها و تعمیم‌های معنایی شکل می‌گیرند، کمی دشوار است. از این رو، بعضی از افعال مرکب می‌توانند خاصیت این گروه را داشته باشند و جزو همین گروه باشند اما جزو زیرمجموعه‌ای خاص قرار نمی‌گیرند. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی عبارتند از توان گرفتن، بوس گرفتن، بوسه گرفتن، انتقام گرفتن، لب گرفتن، مایه گرفتن، طلاق گرفتن، دادگرفتن و ارتقاگرفتن.

حال به ترتیب به تبیین هر کدام از زیرطرح‌واره‌های ساختی پرداخته می‌شود که ذیل طرح‌واره ساختی (۱) قرار می‌گیرند. همه این زیرطرح‌واره‌ها زیرمجموعه‌ای از طرح‌واره ساختی (۱) هستند و در دل خود معنی «کسب کردن و به دست آوردن چیزی» را دارند.

2. [z] مفید کردن مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] [z] v_j

افعال مرکبی که حاصل از طرح‌واره ساختی (۲) هستند، معنای مفیدساختن کسی به انجام کاری را در خود دارند. در این طرح‌واره ساختی واژه‌های با معنا و مضمون تعهد و قول مانند گروگرفتن، قول گرفتن، وعده گرفتن، پیمان گرفتن، سوگندگرفتن، بیعت گرفتن و پیمان گرفتن می‌توانند در جایگاه متغیر قرار بگیرند.

3. [z] رزرو کردن مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] [z] v_j

افعال مرکب ماحصل طرح‌واره ساختی (۳)، معنای رزرو کردن زمان یا مکان خاصی را دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه *i* قرار می‌گیرد معمولاً به جای واژه‌هایی مربوط زمان یا مکان می‌نشینند. عبارات مشابه به این طبقه در زبان انگلیسی نیز مانند *get an appointment* وجود دارد. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی به صورت افاق گرفتن، جاگرفتن، نوبت گرفتن، قرارگرفتن، وقت گرفتن، هتل گرفتن، میزگرفتن و صندلی گرفتن است.

4. [z] اجازه گرفتن مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] [z] v_j

¹ post-metonymy

² post-metaphor

ریمر (۲۰۰۵: ۱۸۷) معتقد است برخی گسترش‌های معنایی بیش از آن که ادغام یا ترکیبی از دو فرآیند باشند در واقع دیگر نه استعار فرض می‌شوند نه مجاز. روابط این دو نوع جدید گسترش معنایی از نوع کلیشه‌های تعمیم‌یافته و پساقوله‌ای هستند که به ترتیب دو اصطلاح «پساستعاره» و «پسامجاز» نیز نامیده می‌شوند.

فعل‌های مرکبی که منتج از طرح‌واره ساختی (۴) هستند، معنای کسب اجازه و تخصیص را در خود دارند. در این طرح‌واره ساختی هر واژه‌ای با معنی اجازه و اذن نظیر اجازه گرفتن، اذن گرفتن، رخصت گرفتن، جواز گرفتن، فتوا گرفتن، بارگرفتن، پروانه گرفتن، اختیار گرفتن و امتیاز گرفتن می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد.

5. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ [پول گرفتن مرتبط با SEM_i]

افعال مرکبی که توسط طرح‌واره ساختی (۵) ساخته می‌شوند دارای معنای دریافت پول هستند. معمولاً در طرح‌واره ساختی (۵) به جای X می‌تواند واژه‌هایی مربوط به مفاهیم پول، رشوه، اجاره و... قرار گیرند. این جابجایی پول در ازای یک خدمت، هزینه، بهره یا رشوه است. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب ایجاد می‌شوند می‌توان با آمدن یک مفعول غیرمستقیم، منبعی که فاعل از آن پول می‌گیرد مثلاً پول گرفتن، نزول گرفتن، تاوان گرفتن، رشوه گرفتن، جریمه گرفتن، باج گرفتن، صدقه گرفتن، انعام گرفتن، دستمزد گرفتن، مزد گرفتن، حقوق گرفتن، وام گرفتن، خون‌بها گرفتن، کرایه گرفتن، حق‌السکوت گرفتن، اجر گرفتن و اجاره گرفتن را ذکر کرد.

6. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ [آگاهی یافتن مرتبط با SEM_i]

6a. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ [پاسخ گرفتن مرتبط با SEM_i]

6b. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ [درس آموختن مرتبط با SEM_i]

تمامی افعالی که توسط طرح‌واره ساختی (۶) تشکیل می‌شوند که طبق ایده وراثت پیش‌فرض، در خود معنای به دست آوردن اطلاعات را دارند. حال این آگاهی یافتن می‌تواند در شکل‌های مختلفی صورت بگیرد. بر همین اساس به دو زیر طرح‌واره ساختی (6a) و (6b) تقسیم می‌شود.

6a. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ [پاسخ گرفتن مرتبط با SEM_i]

همه افعال مرکب منتج از طرح‌واره (6a)، معنای کسب پاسخ یا اطلاعات را در خود دارند. در این طرح‌واره ساختی هر واژه‌ای مربوط به پاسخ یا جواب گرفتن، می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد. البته این طرح‌واره ساختی دارای زایایی محدودی است و این موضوع به خاطر این است

که فقط تعداد محدودی از واژگان به معنای پاسخ یا اطلاعات مانند جواب گرفتن، احوال گرفتن و خبر گرفتن وجود دارد.

6b. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط

همهٔ افعال مرکب حاصل از طرح‌واره (6b)، معنای آموختن یک درس یا گرفتن یک پند هستند. در این طرح‌واره ساختی هر واژه‌های مربوط به آموختن یک درس یا پند و اندرز گرفتن یا گرفتن مشاوره از کسی یا چیزی هم‌چون یادگرفتن، پندگرفتن، اندرزگرفتن، درس گرفتن، تخصص گرفتن، مهارت گرفتن و عبرت گرفتن می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد.

7. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط دریافت خدمات

7a. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط درمان و ایجاد امنیت

7b. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط کمک گرفتن

7c. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط نمایندگی

7d. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط استخدام کردن

افعال مرکبی که طبق طرح‌واره ساختی (۷) تشکیل می‌شوند، در خود معنای دریافت خدمات مختلف را دارند که در این امر برخاسته از مفهوم وراثت پیش فرض می‌باشد. حال این خدمات می‌تواند در شکل‌های مختلفی صورت بگیرد. بر همین اساس به چهار زیرطرح‌واره ساختی (7a)، (7b)، (7c) و (7d) تقسیم می‌شوند.

7a. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط درمان و ایجاد امنیت

افعال مرکبی که توسط زیرطرح‌واره ساختی (7a) ساخته می‌شوند، معنای پناه‌بردن یا درمان شدن را دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه ۱ قرار می‌گیرد معمولاً با واژه‌هایی مانند شفا، پناه یا علاج مانند امان گرفتن، پناه گرفتن، شفاگرفتن، علاج گرفتن و مأواگرفتن پر می‌شود.

7b. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]]_j v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ با مرتبط کمک گرفتن

اگر دقت کنیم، جملگی فعل‌های مرکبی که نتیجهٔ زیرطرح‌واره ساختی (7b) هستند در خود معنای دریافت هر نوع کمکی را دارند. در این طرح‌واره ساختی، هر واژه‌های مربوط به دریافت

کمک‌های مالی، فیزیکی و روحی روانی نظیر عاریه گرفتن، قرض گرفتن، کمک گرفتن، وام گرفتن، یاری گرفتن، صدقه گرفتن، مددگرفتن و دست گرفتن می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد.

7c. [دریافت نمایندگی مرتبط با SEM_i] ↔ [SEM_i] v_j [z] [gɛrɛftæn] [X]_{N/Ai}

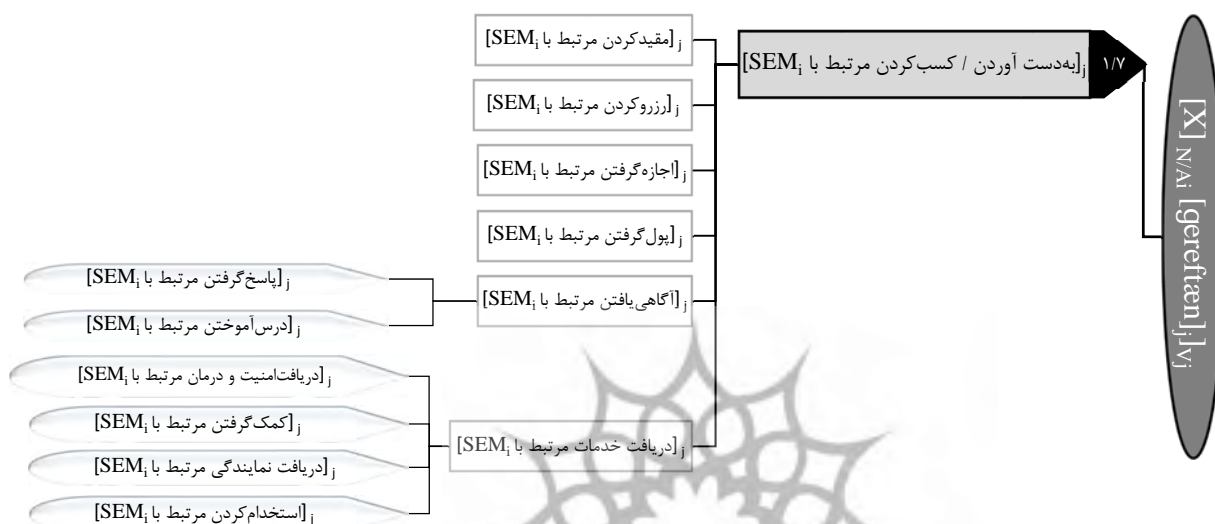
با توجه به افعال مرکبی که در اثر زیرطرح‌واره ساختی (7c) تشکیل می‌شوند، معنای تعیین یک نماینده یا واسط به کار می‌رود. در این طرح‌واره ساختی، هر واژه‌ای مربوط به شخصی که به عنوان نماینده رسمی یا شاهد عمل می‌کند، می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد. در جملات با این دسته از افعال مرکب، فاعل برای خود نماینده‌ای استخدام یا تعیین می‌کند. ضمناً خدمات منتقل شده مربوط به کار فیزیکی نیست، بلکه تخصص اجتماعی یا حقوقی است. نمونه‌های آن در زبان فارسی عبارتند از: گواه گرفتن، ضامن گرفتن، گواهی گرفتن، تضمین گرفتن و شاهد گرفتن.

7d. [استخدام کردن مرتبط با SEM_i] ↔ [SEM_i] v_j [z] [gɛrɛftæn] [X]_{N/Ai}

همه افعال مرکب که توسط زیرطرح‌واره ساختی (د۷) ایجاد می‌شوند، معنای «استخدام یک نفر» را در خود دارند. معمولاً در طرح‌واره ساختی فوق به جای X می‌تواند واژه‌هایی مربوط به اسامی شغل‌های مختلف قرار بگیرد و یا واژه‌های مربوط به کار کردن مانند خدمتکار گرفتن، پرستار گرفتن، کارمند گرفتن، کارگر گرفتن، بیگاری گرفتن، کولی گرفتن، سواری گرفتن، به کار گرفتن و به خدمت گرفتن آورده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برای طرح‌واره کلی این دسته از فعل‌های مرکب دارای همکرد «گرفتن» که طرح‌واره ساختی (۱) آن را نشان می‌دهد، شش زیرطرح‌واره ساختی معرفی شده، در شکل (۳) شبکه



شکل ۳: ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۱/۷ افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن پایگانی و سلسله‌مراتبی آن ارائه شده است.

در شکل (۳) یک طرح‌واره ساختی کلی وجود دارد که معنی آن عمومی‌تر و در سطح انتزاعی بالاتری قرار دارد. همچنین، زیرطرح‌واره‌های ساختی آن عینی‌تر هستند و از لحاظ معنایی، طبق ایده وراثت پیش‌فرض، به‌طور پیش‌فرض معنا را از طرح‌واره ساختی مسلط به ارث برده‌اند و همگی در خود معنای «کسب کردن» را دارند. در تحلیل طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های دیگر دسته‌های معنایی موردنظر در ساخت افعال مرکب دارای همکرد «گرفتن» این مفهوم قابل استنباط است. اما زبانی این طرح‌واره‌ها در گرو ایده‌انگیزگی است که ماهیتی مدرج دارد. طرح‌واره‌ها در جاتی از انگیزگی در واژگان ایجاد می‌کنند که میزان دل‌بخواهی بودن رابطه صورت و معنای عنصر زبانی را کاهش می‌دهند (بوی، ۲۰۱۵). مثلاً رابطه صورت و معنای واژه بسیطی مانند پول کاملاً دل‌بخواهی، قراردادی و نانگیزخته است. اما واژه مرکب پول گرفتن از درجه

انگیختگی زیادی برخوردار است؛ زیرا معنای آن وابسته به معنای اجزای تشکیل‌دهنده، رابطه میان آن‌ها و همچنین معنای طرح‌واره ساختی ناظر بر آن یعنی [X-gereftæn] است.

۴-۲. دریافت کردن

این دسته از افعال مرکب که معنای دریافت را دارند فاصله زیادی تا معنای سرنمونی ندارند. همچنین این افعال مرکب از نظر ماهیت شبیه به مجموعه قبلی هستند، اما در این موارد، فاعل هیچ تلاشی برای دستیابی به چیزهایی که دریافت می‌کند، انجام نمی‌دهد. فاعل یک کنش‌پذیر است و برخلاف گروه قبلی، کالا یا خدمات دریافتی معمولاً به نفع او نیست. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال به این صورت است:

8. z [به‌دست آوردن / کسب کردن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn] z

اکنون به ترتیب به تبیین زیرطرح‌واره‌های ساختی منتج از طرح‌واره ساختی کلی شکل (۳) پرداخته می‌شود که تمام زیرطرح‌واره‌ها زیرمجموعه طرح‌واره ساختی (۸) هستند و در دل خود معنی دریافت کردن و به خود گرفتن را دارند.

9. z [جذب کردن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn] z

فعل‌های مرکب حاصل از طرح‌واره ساختی (۹) دارای معنای جذب کردن و گرفتن حالتی فیزیکی به خود هستند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه i قرار می‌گیرد معمولاً واژه‌هایی مربوط به هر چیزی می‌آیند که می‌تواند در اشیاء آغشته شوند یا یک حالت فیزیکی که می‌تواند چیزی را در برگیرد. این دسته از افعال مرکب، مانند آتش گرفتن، بوگرفتن، جان گرفتن، رنگ گرفتن، نیروگرفتن و قوت گرفتن، معمولاً ناگذر هستند.

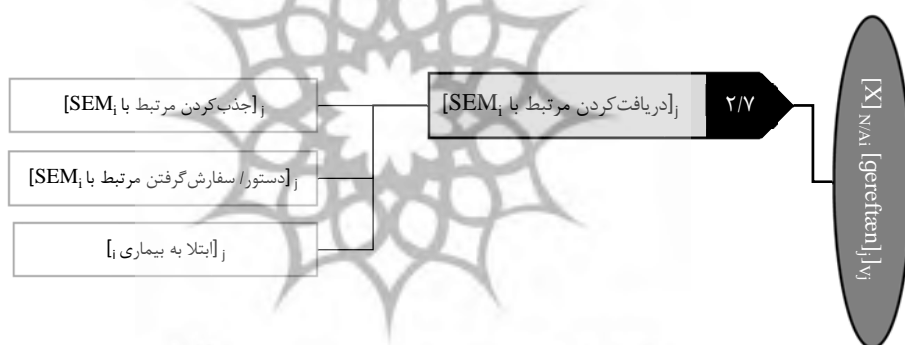
10. z [دستور / سفارش گرفتن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn] z

در طرح‌واره ساختی (۱۰) افعال مرکب دارای معنای دریافت دستور یا سفارش هستند. معمولاً در این طرح‌واره ساختی به جای X واژه‌هایی مربوط به مفهوم‌های دستور، درخواست یا سفارش نظیر دستور گرفتن، سفارش گرفتن و فرمان گرفتن می‌آیند.

11. z [ابتلا به بیماری i] ↔ v_j [بیماری]_{N/Ai} [gereftæn] z

افعال مرکب ماحصل طرح‌واره ساختی (۱۱)، معنای ابتلا به یک بیماری را در خود دارند. در این طرح‌واره ساختی هر واژه مربوط به همان بیماری مورد نظر می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد. در زبان انگلیسی نیز شبیه به این دسته افعالی مانند *to get... to catch* مشاهده می‌شوند. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی عبارتند از آبله گرفتن، سرگیجه گرفتن، ناخوشی گرفتن، سرطان گرفتن و کروناگرفتن. برای طرح‌واره ساختی (۸) سه زیرطرح‌واره معرفی کردیم که در شکل (۴) ساختار شبکه‌ای و پایگانی آن دیده می‌شود.

۳-۴. به خود گرفتن



شکل (۴) ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۲/۷ افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن این دسته از افعال مرکب کمی از معنای سرنمونی فعل گرفتن فاصله گرفته‌اند. فاعل در جملاتی که با این گروه از افعال مرکب ایجاد می‌شوند، موقعیت یا شکلی به خود می‌گیرد؛ یا به عبارتی دیگر، فاعل پیکربندی خاصی به خود می‌گیرد که بسته به ساختار، ممکن است به‌طور فعال در دستیابی به آن پیکربندی یا ویژگی به دست آمده، شرکت داشته باشد یا نداشته باشد. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال به‌صورت (۱۲) است:

$$12. [z] \leftrightarrow [SEM_i \text{ با مرتبط گرفتن } X] \leftrightarrow [X]_{N/Ai} [gereftæn]_{vj}$$

البته، همان‌طور که در دسته «۲/۷» توضیح داده شد، در داده‌های پژوهش شاهد فعل‌های مرکبی هستیم که در این دسته معنایی قرار می‌گیرند اما نمی‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی‌های جزئی‌تری قرار داد که در قالب زیر طرح‌واره‌های ساختی آمده‌اند. تشکیل افعال مرکب توسط مجاز، پسامجاز، استعاره و گسترش‌ها و تعمیم‌های معنایی باعث سختی در دسته‌بندی این فعل‌های مرکب می‌شود. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی عبارتند از رنگ گرفتن، ضرب گرفتن، قدم گرفتن، انس گرفتن و برتری گرفتن.

حال به ترتیب به تبیین هر کدام از زیر طرح‌واره‌های ساختی پرداخته می‌شود که در شکل (۵) نشان داده شده‌اند. همه این زیر طرح‌واره‌ها زیر مجموعه طرح‌واره ساختی (۱۲) هستند و طبق مفهوم وراثت پیش‌فرض، همگی در خود معنی «به یک شکل خاصی در آمدن» را دارند.

13. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]_z] v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ ز [استقرار گرفتن مرتبط با SEM_i]

افعال مرکب حاصل از طرح‌واره ساختی (۱۳)، به معنای مستقر یا سازمان یافته شدن هستند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه i قرار می‌گیرد، معمولاً واژه‌هایی مربوط به سازمان، نظم و ترتیب نظیر آشیانه گرفتن، سکنی گرفتن، سامان گرفتن، سر و سامان گرفتن، نظم گرفتن، نظام گرفتن، سازمان گرفتن، استقرار گرفتن، قرار گرفتن و چینش گرفتن هستند.

14. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]_z] v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ ز [گرفتن یک ویژگی به خود مرتبط با SEM_i]

براساس طرح‌واره ساختی (۱۴) افعال مرکب حاصل از آن از معنای کسب یک ویژگی روانی یا انتزاعی برخوردار هستند. معمولاً در طرح‌واره ساختی (۱۴) به جای X واژه‌هایی مربوط به ویژگی روانی یا انتزاعی می‌توانند قرار گیرد. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی به صورت (۱۵) است: اهمیت گرفتن، آرام گرفتن، ارتفاع گرفتن، شتاب گرفتن، سبقت گرفتن، سرعت گرفتن، شهرت گرفتن، حرارت گرفتن، فروغ گرفتن، آسایش گرفتن و آرایش گرفتن.

15. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]_z] v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ ز [به نظر رسیدن مرتبط با SEM_i]

15a. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]_z] v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ ز [یک قیافه خاص به خود گرفتن مرتبط با SEM_i]

15b. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]_z] v_j \leftrightarrow [SEM_i]$ ز [یک شکل خاص به خود گرفتن مرتبط با SEM_i]

تمامی افعالی که توسط طرح‌واره ساختی (۱۵) تشکیل می‌شوند در خود معنای «به شکل یا قیافه‌ای خاص درآمدن» را دارند. حال این موضوع، می‌تواند در شکل‌های مختلفی صورت بگیرد. بر همین اساس به دو زیرطرح‌واره ساختی (15a) و (15b) تقسیم می‌شود.

15a. z [یک قیافه خاص به خود گرفتن مرتبط با $[SEM_i]$] \leftrightarrow v_j $[X]_{N/Ai}$ [gereftæn] z

افعال مرکب منتج از طرح‌واره (15a) دارای معنای «یک قیافه خاص به خود گرفتن» هستند. به بیانی دقیق‌تر این افعال معنی «قراردادن بدن یا چهره در یک پیکربندی خاص و قابل تشخیص که گویای حالتی خاص از احساسات انسانی است» را می‌رسانند. در این طرح‌واره ساختی، هر واژه‌ای مربوط به حالت، ژست، شکل یا پیکربندی می‌تواند در جایگاه متغیر واقع شود. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده‌اند، معمولاً فاعل به طور ارادی بخش‌هایی از بدن خود را برای رسیدن به موقعیت، قیافه یا ژست موردنظر بیان شده در فعل‌یار پیکربندی می‌کند؛ مانند، ماتم‌گرفتن، قیافه‌گرفتن، قلاب‌گرفتن، خشم‌گرفتن، ژست‌گرفتن و آبغوره‌گرفتن.

15b. z [شکل به خود گرفتن مرتبط با $[SEM_i]$] \leftrightarrow v_j $[X]_{N/Ai}$ [gereftæn] z

طرح‌واره (15b) افعال مرکبی با مفهوم تبدیل‌شده به شکلی منسجم یا قابل تشخیص به دست می‌دهد. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه i قرار می‌گیرد اغلب بیانگر واژه‌هایی کلی است که برای شکل و فرم استفاده می‌شوند. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده‌اند، معمولاً فاعل جملاتی که با این دسته از افعال مرکب ایجاد می‌شوند، در فرآیند توضیح داده‌شده شرکت نمی‌کند. در عوض، این فرآیند معمولاً تدریجی و به طور مستقل اتفاق می‌افتد، هرچند اغلب در نتیجه اعمال مستقیم یک یا چند کنش‌گر خارجی است؛ مثلاً یک مجسمه شکل می‌گیرد زیرا مجسمه‌ساز آن را مجسمه‌سازی می‌کند یا رقص دسته جمعی شکلی منسجم به دست می‌آورد که همه رقصندگان نقش خود را می‌رقصیدند (فامیلی، ۲۰۰۶: ۱۰۲). نمونه‌های این دسته از افعال مرکب در زبان فارسی صورت‌گرفتن، نقش‌گرفتن، شکل‌گرفتن و انجام‌گرفتن هستند.

16. [z] یک موقعیت خاص به خود گرفتن مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j

16a. [z] تعیین یک مکان یا زمان خاص برای خود مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j

16b. [z] یک نسبت خاص به خود گرفتن مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j

طبق وراثت پیش‌فرض، تمامی افعالی که توسط طرح‌واره ساختی (۱۶) تشکیل می‌شوند در خود معنای «به شکل یا قیافه‌ای خاص درآمدن» را دارند. حال این موضوع، می‌تواند در شکل‌های مختلفی صورت بگیرد که این امر مربوط به مفهوم انگیزتگی است. بر همین اساس به دو زیرطرح‌واره ساختی (16a) و (16b) تقسیم می‌شود.

16a. [z] تعیین یک مکان یا زمان خاص برای خود مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j

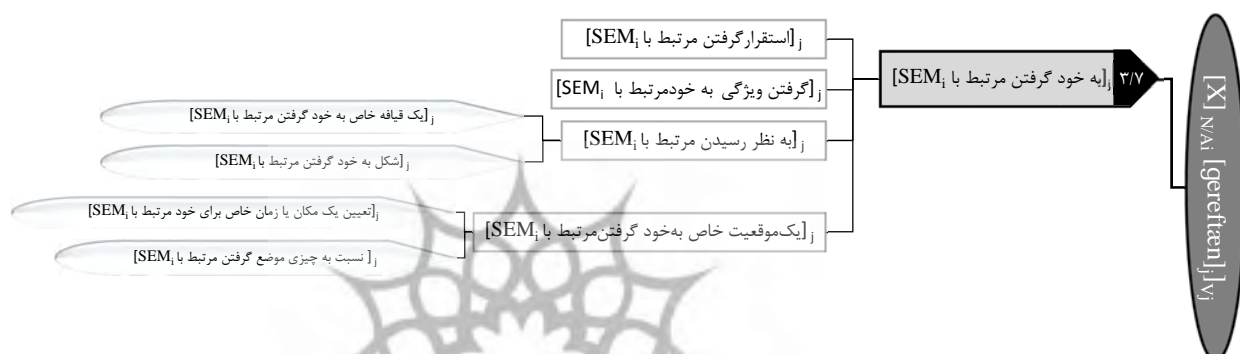
افعال مرکبی که حاصل طرح‌واره ساختی (16a) هستند، معنای «قرار گرفتن بدن خود را در یک پیکربندی خاص و قابل تشخیص» را در خود دارند. در این طرح‌واره ساختی اسامی مربوط مکان/ زمان می‌توانند در جایگاه متغیر قرار بگیرند. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده‌اند، معمولاً چندمعنایی هستند. با نگاه به مثال‌هایی از جمله جاگرفتن، نوبت گرفتن، قرارگرفتن، وقت گرفتن، کناره گرفتن و ویزیت گرفتن، می‌توان گفت هر یک از آن‌ها می‌تواند به معنای اتلاف یا اشغال کردن اتاق/ زمان/ مکان استفاده شود؛ به این معنا که این کامپیوتر فضایی را روی این میز اشغال می‌کند.

16b. [z] نسبت به چیزی موضع گرفتن مرتبط با [SEM_i] ↔ [X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j

طرح‌واره ساختی (16b) فعل‌های مرکبی ایجاد می‌کند که معنای «نسبت به چیزی موضع گرفتن» را در خود دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه *i* قرار می‌گیرد معمولاً به جای واژه‌هایی می‌نشیند که برای موقعیت فیزیکی استفاده می‌شوند. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده‌اند، اغلب مفعول موجودی است که فاعل خود را نسبت به آن قرار می‌دهد. اگرچه در این گروه از افعال مرکب، یک موقعیت فیزیکی بیان می‌شود، اما معنای آن هرگز در زمینه‌های پیکربندی فیزیکی رخ نمی‌دهد. در عوض، این ساختارها برای بیان موقعیت فاعل با توجه به چیزهای ناملموس‌تر استفاده می‌شوند. برای مثال، خواندن یک آهنگ از ابتدا را می‌توان با «از سرگرفتن» بیان کرد. یا پیگیری یک پرونده حقوقی را می‌توان با «دنبال گرفتن» بیان کرد که به فرآیند اجرای مجدد یا توسعه روی یک فرآیند از یک نقطه خاص اشاره

دارد. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی به این صورت هستند: دنبال گرفتن، از سرگرفتن، فاصله‌گرفتن، گوشه‌گرفتن، طرف‌گرفتن، کناره‌گرفتن، (خود را) بی‌طرف گرفتن و پی‌گرفتن.

برای طرح‌واره ساختی کلی (۱۲) که سرگروه دسته ۳/۷ بود، ۵ زیرطرح‌واره ارائه شد که این تقسیم به حیث تفاوت‌های معنایی انجام شد. این دسته‌بندی در شکل (۵) به صورت



شکل (۵) ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۳/۷ افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای قابل مشاهده است.

۴-۴. استخراج / حذف کردن

افعال مرکب در این دسته، نسبت به گروه‌های قبلی از معنای سرنمونی فعل گرفتن فاصله بیشتری گرفته‌اند. این گروه افعال مرکب حذف چیزی از یک شی را بیان می‌کنند. مورد حذف‌شده بخشی از شی به عنوان یک کل است. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال به صورت (۱۷) است:

$$17. [[X]_{N/Ai} [gereftæn]_{Vj}] \leftrightarrow [SEM_i] \text{ حذف کردن مرتبط با } [SEM_i]$$

طرح‌واره ساختی کلی (۱۷) به زیرطرح‌واره‌های ساختی متعددی تقسیم شده که به ترتیب به تبیین همه آن‌ها پرداخته و در آخر در شکل (۶) شبکه سلسله‌مراتبی آن ترسیم می‌شود.

$$18. [[X]_{N/Ai} [gereftæn]_{Vj}] \leftrightarrow [SEM_i] \text{ زدودن چیزی از روی سطحی مرتبط با } [SEM_i]$$

طرح‌واره ساختی (۱۸) افعال مرکبی ایجاد می‌کند که معنای «پاک کردن چیزی را که روی موجودیت دیگری را پوشانده شده است» را دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری

که در جایگاه \bar{i} قرار می‌گیرد معمولاً واژه‌هایی مربوط به مواد باقیمانده‌ای می‌آیند که روی سطح اجسام جمع می‌شوند. این ساخت به ندرت در قالب جمله اتفاق می‌افتد، اما در مواردی مانند گردگرفتن، لکه‌گرفتن، خاک‌گرفتن (پاک کردن خاک)، چربی‌گرفتن به عنوان پایه‌ای برای مشتق اسمی رایج استفاده می‌شود.

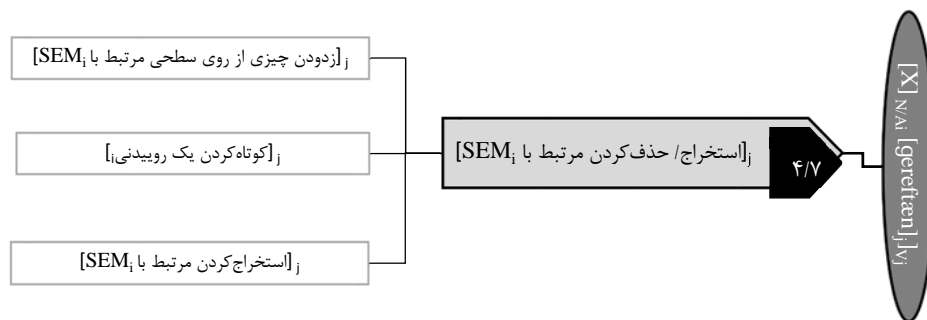
19. $[z]$ [کوتاه کردن یک رویدنی i] ↔ v_j [z] [gereftæn] N/A_i [رویدنی]

فعل‌های مرکبی که طبق طرح‌واره ساختی (۱۹) تشکیل می‌شوند، معنای «حذف بافت‌هایی که بیش‌ازحد رشد کرده‌اند» را در خود دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه \bar{i} قرار می‌گیرد اغلب واژه‌هایی می‌آیند که مربوط بافت‌های زنده دارای رویش هستند. این افعال مرکب بیانگر حذف مواد بیولوژیکی مثلاً موی گوسفند، ناخن‌گرفتن، دماغ‌گرفتن (مجاز از آب‌دماغ)، ابروگرفتن، چمن‌گرفتن، شاخه‌گرفتن، ریش‌گرفتن و پشم‌گرفتن هستند که تمایل به رشد بیش از حد دارند.

20. $[z]$ [استخراج کردن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [z] [gereftæn] N/A_i [X]

معنای «استخراج مایع/ اسانس از منبع اصلی آن» را می‌توان در تمامی فعل‌های مرکبی مشاهده کرد که در اثر طرح‌واره ساختی (۲۰) تشکیل می‌شوند. معمولاً در طرح‌واره ساختی (۲۰) به جای X واژه‌های مربوط به یک مایع یا اسانس مرتبط با SEM_i می‌آیند. مایعات بیان شده در فعل‌یار همیشه در داخل یک جسم هستند و به طور طبیعی خارج نمی‌شوند، اما می‌توانند استخراج شوند. به عبارت دیگر، هنگام برداشتن آب از اقیانوس، نمی‌توان گفت «آب‌گرفتن»، در حالی که می‌توان برای بیان بیرون کشیدن آب میوه از این ساخت مانند آب‌گرفتن، گلاب‌گرفتن، خون‌گرفتن، آب‌میوه‌گرفتن، زهرگرفتن، شیرگرفتن و عرق‌گرفتن استفاده کرد.

شبکه پایگانی و سلسله‌مراتبی دسته (۴/۷) افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن توضیح داده شد؛ این شبکه در شکل (۶) دیده می‌شود:



شکل (۶) ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۴/۷ افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن

۴-۵. احاطه / پوشش کردن

این دسته از افعال مرکب زبان فارسی که به همراه همکرد گرفتن می‌آیند معنا و ایده «پوشش، احاطه یا مسدودشدن» را بیان می‌کنند. این عمل می‌تواند به سمت فاعل یا مفعول جهت‌گیری شود. به عبارت دیگر، در برخی از جملاتی که به همراه این گروه از افعال مرکب فارسی هستند، فاعل یک کنش‌گر و در برخی دیگر، یک کنش‌پذیر است. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال به صورت (۲۱) است:

21. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn]_{N/Ai}]_{N/Ai} \leftrightarrow [SEM_i]_{N/Ai} [gereftæn]_{N/Ai}$

مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی شامل راه‌گرفتن، روگرفتن، دردگرفتن و برق‌گرفتن هستند.

حال به ترتیب به تبیین هر کدام از زیرطرح‌واره‌های ساختی منتج از طرح‌واره ساختی (۲۱) پرداخته می‌شود و در آخر شبکه معنایی آن‌ها در شکل (۷) ترسیم می‌شود. همه این زیر طرح‌واره‌ها زیرمجموعه طرح‌واره ساختی (۲۱) هستند و در دل خود معنی «پوشش، احاطه یا مسدودشدن» را دارند.

22. z [پوشش مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn]_z

22a. z [پوشاندن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn]_z

22b. z [پوشیده شدن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn]_z

همه فعل‌های مرکبی که توسط طرح‌واره ساختی (۲۲) تشکیل می‌شوند در خود معنای «پوشش» را دارند. حال این موضوع می‌تواند در شکل‌های مختلفی صورت بگیرد و حالت فاعلانه و مفعولانه داشته باشند. بر همین اساس به دو زیرطرح‌واره ساختی (22a) و (22b) تقسیم می‌شود.

22a. z [پوشاندن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn]_z

طرح‌واره ساختی (22a) افعال مرکبی را تشکیل می‌دهد که در خود معنای «پوشاندن» دارند و این پوشاندن را می‌توان به معنی بسته‌بندی‌شدن یا روکش‌شدن تعبیر کرد. در این طرح‌واره ساختی، در جایگاه متغیر، که همان فعل‌یار فعل مرکب است، یک ماده نرم و اغلب چسبناک (مانند گچ) می‌آید که سپس برای پوشاندن جسم سخت استفاده می‌شود. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده‌اند، معمولاً فاعل یک موجود ارادی است که از مواد بیان‌شده توسط SEM_i برای پیچیده‌کردن یا ریختن کامل جسم استفاده می‌کند. فرم «گل گرفتن» می‌تواند به صورت اصطلاحی، به معنای بسته‌شدن به‌طور نامحدود (مثلاً برای یک فروشگاه) استفاده شود. این صورت ایده مسدود کردن مسیر یا پوشاندن را بیان می‌کند تا اجازه ندهد چیزی به موجودیت مسدودشده وارد شود. همچنین، ماهیت گذرای این ساخت و ساز به این دلیل است که فعل‌یار نشان‌دهنده شیء به‌دست آمده یا تصاحب‌شده نیست، بلکه در مواردی نظیر گچ گرفتن، گل گرفتن، قاب گرفتن، طلاگرفتن و نایلون گرفتن ابزار مورد استفاده برای انجام عمل است.

22b. z [پوشیده شدن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [X]_{N/Ai} [gereftæn]_z

فعل‌های مرکب ایجادشده توسط طرح‌واره ساختی (22b)، معنای «پوشیده‌شدن» را در خود دارند و این پوشیده‌شدن را می‌توان به عنوان تجمع طبیعی یک ماده روی سطح تعبیر کرد. در این طرح‌واره ساختی، به جای X واژه‌هایی مربوط یک مواد طبیعی یا آلی، ماده‌ای مانند خاک، می‌تواند در جایگاه متغیر قرار گیرد. جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده‌اند،

ساختار استدلالی جالبی دارند؛ به این صورت که موضوع معنایی (موجودیتی که تحت پوشش قرار می‌گیرد) به‌عنوان مفعول بیان می‌شود و هیچ فاعل آشکاری^۱ وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد فعل‌یار جای موضوع دستوری آن را می‌گیرد. این ساخت و ساز بیانگر یک فرآیند تدریجی و طبیعی از انباشته‌شدن یک توده از مواد طبیعی روی سطح چیزی است؛ مانند آب‌گرفتن، خاک گرفتن (پوشیده‌شدن توسط خاک)، لجن گرفتن، صله گرفتن، قی گرفتن.

23. z [دچار شدن به حالتی مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [N/Ai [gereftæn] z]

افعال مرکب منتج از طرح‌واره ساختی (۲۳) در خود معنای «دچارشدن به حالتی خاص» را دارند که رخ‌دادن این امر خارج از کنترل موضوع است. به بیانی واضح‌تر، حالتی خاص بر انسان غالب می‌شود که بر آن کنترلی ندارد. اغلب در طرح‌واره ساختی (۲۳) به جای X واژه‌های مربوط به یک انگیزه روانی یا بیولوژیکی غیرارادی مرتبط به SEM_i می‌تواند واقع شود که باید آشکار یا سرکوب شود. جملاتی که با این گروه از افعال مرکب ایجاد می‌شوند، ساختار خاصی دارند. فاعل همیشه یک موجود آگاه است که از طریق یک پسوند ضمیری متصل به فعل‌یار بیان می‌شود (مانند خنده‌ام گرفت). این ساختار بیان‌گر یک نیروی پنهان یا یک نیروی طبیعی است که خارج از کنترل موضوع است. این نیرو بر فاعل غلبه می‌کند. مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی خواب‌گرفتن، خنده‌گرفتن، اق‌گرفتن، ویرگرفتن، گریه‌گرفتن و بغض‌گرفتن هستند.

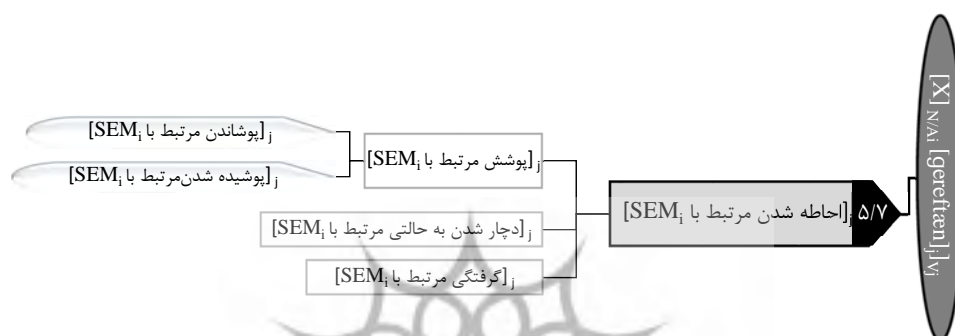
24. z [گرفتگی مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [N/Ai [gereftæn] z] [اندام بدن]

طرح‌واره ساختی (۲۴) افعال مرکبی می‌سازد که معنای گرفتگی عضلانی را ایجاد می‌کنند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه i قرار می‌گیرد اغلب واژه‌هایی مانند اندام‌واژه‌ها هستند. این گروه از افعال نیز مانند افعال مرکب که در طرح‌واره ساختی (۲۳) بیان شد نوع خاصی از ساختار است، زیرا فعل‌یار همیشه باید با یک پسوند ضمیری متصل دنبال شود. علاوه بر این، با اینکه در ساخت «نفسم گرفت»، نفس عضوی از بدن نیست، اما نفس مانند اعضای بدن کار می‌کند (شاید به دلیل احساس گرفتگی در ریه‌ها طی این فرآیند باشد). همچنین، یک

¹ overt subject

نیروی طبیعی یا بیولوژیکی مانند نفس گرفتن، پاگرفتن، قلب گرفتن و ماهیچه‌گرفتن، فاعل را تحت کنترل خود درمی‌آورد.

برای این طرح‌واره ساخت کلی (۲۱)، سه زیرطرح‌واره قابل تصور است که این تقسیم به حیث تفاوت‌های معنایی انجام شده است.



شکل (۷) ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۵/۷ افعال مرکب همراه با همکرد «گرفتن»

۴-۶. اجرای تشریفات

این دسته از افعال مرکب زبان فارسی مانند افعال مرکبی که بیانگر انجام مناسک، مراسمات و آداب اجتماعی یا شخصی رایج هستند و به همراه همکرد گرفتن می‌آیند، فاصله زیادی از معنای سرنمونی دارند. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال به صورت (۲۵) است.

25. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j \leftrightarrow [SEM_i \text{ مرتبط با } SEM_i]$

طرح‌واره ساختی (۲۵) دارای ۳ زیرطرح‌واره ساختی است. همه این زیر طرح‌واره‌ها زیرمجموعه طرح‌واره ساختی (۲۵) هستند و در دل خود معنی «انجام تشریفات» را دارند.

26. $[[X]_{N/Ai} [gereftæn] z] v_j \leftrightarrow [SEM_i \text{ زناشویی مرتبط با } SEM_i]$

فعل‌های مرکبی که ماحصل طرح‌واره ساختی (۲۶) هستند در خود معنای «پیداکردن شریک زندگی/جنسی» را دارند. اغلب در طرح‌واره ساختی (۲۶) به جای X می‌تواند اسم شریک جنسی مخالف واقع شود. فعل‌یار معمولاً یک شریک زن را بیان می‌کند که در آن سوژه یک مرد است. موارد بسیار کمی وجود دارد که یک مرد بتواند به عنوان شریک جنسی (دوست پسر) در

جایگاه فعل‌یار بیاید. برای بیان یک زن شوهردار، فعل عمومی شوهرکردن استفاده می‌شود که در انگلیسی با عبارت *take a woman* بیان می‌شود. ایده مالکیت در این افعال مرکب مشخص است، به ویژه با توجه به ماهیت مردانه در جوامع سنتی اما استفاده از این صورت‌ها در شهرهای جهان وطنی^۱ و پیشرفته کم‌تر رواج دارد؛ مانند زن گرفتن، صیغه گرفتن، دوست دخترگرفتن و فاسق گرفتن.

۲۷. z [برگزاری مراسمی مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [z] [X]_{N/Ai} [gereftæn]

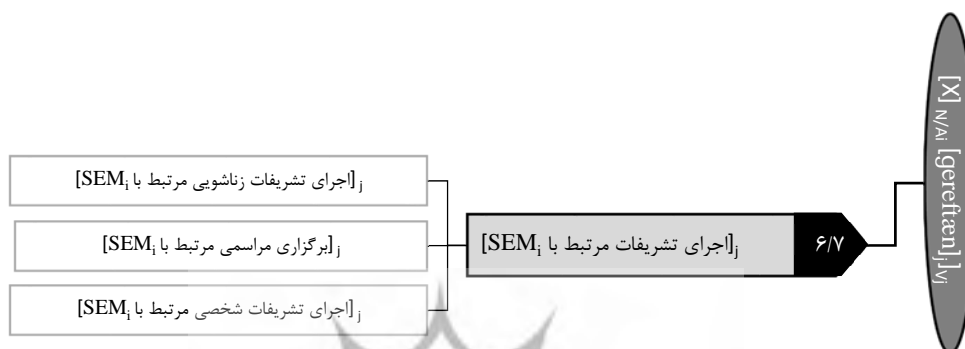
در اثر طرح‌واره ساختی (۲۷) فعل‌های مرکبی ایجاد می‌شوند که معنای «گردهمایی برای مراسم جشن گرفتن یا بزرگداشت» را دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه *i* قرار می‌گیرد اغلب واژه‌هایی مربوط به نوعی جشن/مناسبت مهم اجتماعی واقع می‌شوند. جمله‌هایی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل می‌شوند نظیر عروسی گرفتن، جشن گرفتن، چله گرفتن، مهمانی گرفتن، روزه گرفتن، ختنه‌سوران گرفتن و مراسم گرفتن عموماً ناگذر هستند.

۲۸. z [اجرای تشریفات شخصی مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [z] [X]_{N/Ai} [gereftæn]

افعال مرکبی که حاصل طرح‌واره ساختی (۲۸) هستند، معنای «انجام یک آداب و تشریفات شخصی» را دارند که این تشریفات عموماً صورتی مشخص و معین دارد. در این طرح‌واره ساختی هر واژه‌ای مربوط به مراسم یا عادت‌ی که شامل پاکسازی بدن می‌شود، می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد. جمله‌هایی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل می‌شوند عموماً همه این اشکال شامل مشارکت آگاهانه در یک فرآیند کنترل‌شده یا حساب‌شده است که منجر به پاکسازی فیزیکی بدن می‌شود، هرچند گاهی اوقات شامل باورهای معنوی یا مذهبی می‌شود. این تشریفات برای شخصی که در آن‌ها شرکت می‌کند مفهومی ارزشمند دارد. مثلاً اصطلاح‌های انگلیسی *take a shower/ bath* یا فرانسوی *prendre une douche/ un bain* معادل یکی از افعال مرکب این دسته «دوش گرفتن» می‌باشد. وضوگرفتن، غسل گرفتن، دوش گرفتن، حمام گرفتن، رژیم گرفتن، طهارت گرفتن، احرام گرفتن، حرم گرفتن و روزه گرفتن مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی هستند.

^۱ cosmopolitanism

برای طرح‌واره ساختی کلی (۲۵) که مربوط به دسته (۶/۷) افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن است، سه زیرطرح‌واره ساختی ارائه می‌شود که این تقسیم به حیث تفاوت‌های معنایی است. حال در شکل (۸) شبکه معنایی سلسله‌مراتبی مربوط به طرح‌واره ساختی (۲۵) ارائه



شکل (۸) ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۶/۷ افعال مرکب همراه با همکرد «گرفتن» می‌شود

۴-۷. گیرآوردن

این گروه از افعال مرکب مفاهیم مربوط به گیرآوردن، گیرانداختن و دستگیرکردن را بیان می‌کنند. در جملاتی که با این گروه از افعال مرکب ایجاد می‌شوند، فاعل عملی را انجام می‌دهد که منجر به درک چیزی می‌شود که خارج از کنترل او یا زودگذر و در شرف ناپدیدشدن است. به عبارت دیگر، شی در چنگال یا محدودیت‌های تحمیل‌شده توسط فاعل دستگیر یا مهار می‌شود. ایده‌های سلطه یا تنظیم در این اشکال ظاهر می‌شوند. معنی این گروه از فعل‌های مرکب با همکرد «گرفتن» کمی به معنای نمونه‌اعلای خود نزدیک است. هرچند، در این دسته از افعال مرکب، معنای اصلی می‌تواند به حواس مجازی یا ظریف‌تر گسترش یابد. طرح‌واره ساختی این دسته از افعال در (۲۶) آورده شده است.

29. [[X] N/Ai [gereftæn] vj ↔ [SEM]i [gereftæn] vj

شایان ذکر بعضی از افعال مرکب منسوب به این طرح‌واره نیز ممکن است در زیرطرح‌واره‌های ساختی طرح‌واره کلی شکل (۸) جای نگیرند. از این رو، بعضی از افعال مرکب مانند غنیمت‌گرفتن

یا غافل‌گرفتن در خود معنای در چنگال فاعل گیرافتادن را دارند اما آن‌ها را نمی‌توان جزو زیرمجموعه‌ای خاص قرار داد.

حال به تبیین هر کدام از زیرطرح‌واره‌های ساختی مربوط به طرح‌واره ساختی (۲۹) پرداخته می‌شود و در نهایت شبکه معنایی و سلسله‌مراتبی پایگانی مربوط به آن‌ها ترسیم می‌شود.

z [به حساب آوردن/ پنداشتن/ فهمیدن SEM_i] ↔ [z] v_j [gɒrɒftæn] [X]_{Ai} 30.

افعال مرکبی که حاصل طرح‌واره ساختی (۳۰) هستند، معنای «چیزی را مطابق با SEM_i پنداشتن، فهمیدن یا به حساب آوردن» را دارند. معمولاً در طرح‌واره ساختی (۳۰) به جای X می‌تواند صفتی واقع شود که بیانگر یک ارزیابی است. این دسته از افعال مرکب جزو گروهی کمیاب است که صفت‌ها را به عنوان فعل‌یار می‌پذیرد. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب ایجاد می‌شوند، این معنا متبادر می‌شود که فاعل چگونه مفعول را درک، تفسیر یا قضاوت می‌کند. این ساختار را می‌توان با عبارات انگلیسی do you get it یا take it easy مقایسه کرد. قضاوت همیشه به صورت ذهنی اتفاق می‌افتد، فاعل، موقعیت را به شیوه‌ای خاص تصرف می‌کند. در برخی موارد مانند ندیده‌گرفتن، او آگاهانه تصمیم می‌گیرد که چیزی را به روشی خاص بفهمد. در برخی دیگر مانند عوضی گرفتن، او هوشیار نیست (فامیلی: ۲۰۰۶). عوضی گرفتن، ندیده‌گرفتن، شل گرفتن، سخت گرفتن، فرض گرفتن، گران گرفتن، نشنیده‌گرفتن، آسان گرفتن و سهل گرفتن مثال‌هایی از افعال مرکب حاصل از این طرح‌واره ساختی در زبان فارسی شامل هستند.

z [ضبط کردن مرتبط با SEM_i] ↔ [z] v_j [gɒrɒftæn] [X]_{N/Ai} 31.

طرح‌واره ساختی (۳۱) افعال مرکبی ایجاد می‌کند که معنای «ضبط یک صدا یا تصویر در رسانه» را دارند. در این دسته از افعال مرکب، فعل‌یاری که در جایگاه I قرار می‌گیرد اغلب به جای واژه‌های مربوط به هر کدام از انواع رسانه می‌نشیند. موجودیتی که در حال ضبط شدن است به صورت یک مفعول غیرمستقیم در جمله ظاهر می‌شود. این ساختار شبیه اصطلاح انگلیسی catch on film or take a picture و اصطلاح فرانسوی prendre une معادل عکس گرفتن است. در همه افعال مرکب از این گروه شاهد یک صحنه زودگذر (ترکیب، نورپردازی، اکشن و همچنین صدا) هستیم که به سرعت تغییر می‌کند، اما از طریق ضبط به درک موضوع می‌رسد. عکاسی از یک صحنه به دلیل ماهیت آنی و دقیق اولی با نقاشی آن متفاوت است. از این رو، «نقاشی گرفتن»

نمی‌تواند به عنوان یک فعل مرکب از این گروه از افعال مرکب مانند فیلم گرفتن، عکس گرفتن، ویدیو گرفتن، صوت گرفتن، ویس گرفتن، لایو گرفتن و سکانس گرفتن تلقی شود.

32. z [محکم گرفتن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [z] [gereftæn] N/Ai [X]

افعال مرکب منتج از طرح‌واره (۳۲) دارای معنای محکم گرفتن هستند. این امر معمولاً به صورت گرفتن چیزی با دست یا وسیله مکانیکی اتفاق می‌افتد. در این طرح‌واره ساختی هر واژه‌ای مربوط به جسم فیزیکی نظیر ترمز گرفتن، نیشگون گرفتن، عنان گرفتن، گاز گرفتن و دندان گرفتن که برای انجام عملکرد خود، معمولاً کنترل، در دست گرفته می‌شود، می‌تواند در جایگاه متغیر قرار بگیرد.

33. z [گیرانداختن مرتبط با SEM_i] ↔ v_j [z] [gereftæn] Ni [X]

33a. z [گیرانداختن یک مجرم i] ↔ v_j [z] [gereftæn] Ni [مجرم]

33b. z [گیرانداختن یک حیوان i] ↔ v_j [z] [gereftæn] Ni [حیوان]

تمامی افعالی که توسط طرح‌واره ساختی (۳۳) تشکیل می‌شوند در خود معنای دستگیری و گیرانداختن را دارند. حال این موضوع، می‌تواند در شکل‌های مختلفی صورت بگیرد و بر همین اساس به ۲ زیرطرح‌واره ساختی (23a) و (23b) تقسیم می‌شود.

33a. z [گیرانداختن یک مجرم i] ↔ v_j [z] [gereftæn] Ni [مجرم]

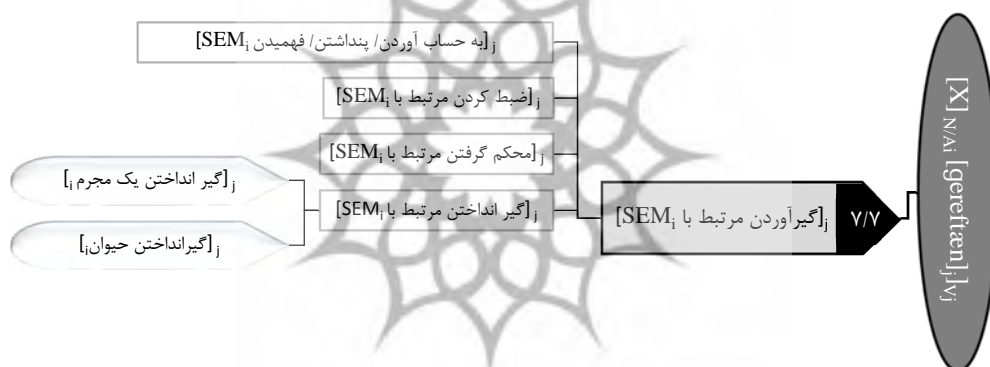
افعال مرکبی که حاصل طرح‌واره ساختی (33a) هستند، معنای دستگیر کردن را در خود دارند. معمولاً در طرح‌واره ساختی (33a) به جای X می‌تواند واژه‌هایی مربوط به یک مجرم، یک اسیر یا یک قانون‌شکن قرار گیرد. در جملاتی که با این دسته از افعال مرکب تشکیل شده اند، اغلب، موجودیت دستگیر شده، در حال فرار یا آزاد است و باید تحت کنترل شخص یا مقامی قرار گیرد. البته فعل مرکب «مچ گرفتن» اصطلاحی است که حاصل از مجاز است و می‌توان آن را جزو همین دسته نظیر اسیر گرفتن، زندانی گرفتن، دزد گرفتن، مچ گرفتن و سارق گرفتن قرار داد؛ زیرا مچ در این جا مجاز از مچ فرد مجرم و نهایتاً خود فرد مجرم است.

33b. z [گیرانداختن یک حیوان i] ↔ v_j [z] [gereftæn] Ni [حیوان]

افعال مرکبی که منتج از طرح‌واره ساختی (33b) هستند، معنای «گیرانداختن یک حیوان یا شکار کردن» را در خود دارند. معمولاً در طرح‌واره ساختی (33b) به جای X می‌تواند واژه‌هایی

مربوط به حیوان وحشی می‌آید. زایایی این دسته از افعال مرکب محدود به حیوانات وحشی یا حیواناتی است که به سختی می‌توان آن‌ها را گرفت یا گیرانداخت. طبیعتاً حیوانات وحشی آزاد هستند نه حیوانات اهلی. بنابراین، اگر به سگ وحشی یا سگ فراری اشاره داشته باشیم و نه سگ خانگی، می‌توان از کلمه سگ در این طرح‌واره ساختی به عنوان فعل‌یار استفاده کرد، مانند شکارگرفتن، ماهی گرفتن و پروانه گرفتن.

برای این طرح‌واره ساختی کلی (۲۹) که مربوط به دسته (۷/۷) افعال مرکب زبان فارسی با همکرد «گرفتن» است، چهار زیر طرح‌واره ساختی معرفی می‌شوند؛ این تقسیم به حیث تفاوت‌های معنایی انجام شده است. شکل (۹) تصویری کلی از شبکه معنایی و سلسله‌مراتبی این طرح‌واره ساختی نشان می‌دهد.



شکل (۹) ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره ساختی ۷/۷ افعال مرکب همراه با همکرد گرفتن

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به واکاوی و تبیین چندمعنایی فعل‌های مرکب همراه با همکرد «گرفتن» پرداخته شد و نشان داده شد که چندمعنایی این افعال مرکب را می‌توان با ایده واژگان پایگانی بررسی کرد. برای این منظور تمامی الگوهای ساخت افعال مرکب همراه با همکرد «گرفتن» در قالب طرح‌واره‌های ساختی ارائه شدند؛ یعنی یک جفت‌شدگی صورت-معنا که سه نوع اطلاعات معنایی، واجی و واژی-نحوی را در خود دارد و کمابیش انتزاعی و طرح‌واره‌ای هستند. ابتدا طرح‌واره‌های ساختی کلی ارائه شد که در سطح انتزاع بالاتری بود سپس برای آن زیر طرح‌واره‌هایی

ارائه شدند که عینی‌تر بودند و تقسیم‌بندی‌های بعد از آن‌ها سبب ایجاد یک شبکه طرح‌واره‌ای-ساختی می‌شود که همان شبکه چندمعنایی فعل‌های مرکب همراه با همکرد «گرفتن» است. معنای متمایز این فعل‌های مرکب در زیرطرح‌واره‌های انتهای شبکه پایگانی و سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرد. لذا در پژوهش حاضر، چندمعنایی به صورت عینی در سطح واژه‌ها نیست، بلکه در قالب طرح‌واره‌های ساختی و انتزاعی تبیین می‌شوند؛ به این نوع چندمعنایی، چندمعنایی ساختی^۱ می‌گویند.

پس از بررسی‌های انجام‌شده بر روی چگونگی ایجاد افعال مرکب و واکاوی چندمعنایی آن‌ها در چارچوب نظریه صرف ساختی می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد: ۱. چارچوب این پژوهش رویکردی شناختی دارد زیرا از فرآیند شناختی «طرح‌واره‌سازی»^۲ کمک گرفته است؛ این فرآیند یکی از قابلیت‌های ذهن آدمی است که نقش آن در فرآیند ساخت افعال مرکب همراه با همکرد «گرفتن» (که به شکل طرح‌واره ساختی و زیرطرح‌واره ساختی آورده شدند) در این پژوهش مشاهده شد. ۲. از آن‌جا که این پژوهش مبتنی بر رویکردی ساخت‌بنیاد است، همه فعل‌های مرکب به عنوان یک ساخت تلقی می‌شوند و در نگاه به الگوی تشکیل آن‌ها هم به جنبه صوری و هم جنبه معنایی آن توجه می‌شود. ۳. این پژوهش، برخلاف پژوهش‌های پیشین که رویکردی «تکوژبنیاد» داشتند، به سبب چارچوب صرف ساختی در رابطه با صرف نگاهی «واژه‌بنیاد» دارد. به عبارت دیگر، در این‌جا کلیت طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها و نه لزوماً معنای اجزای آن است که یک معنای واحد از هر فعل مرکب را به دست می‌دهد. بدین معنا که در این نوع تحلیل، واژه‌های آمیخته حاصل از طرح‌واره‌های ساختی، به صورت زنجیره‌ای از تکواژها در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه آن‌ها واحدهای معنادار مستقلی قلمداد می‌شوند که درون‌شان می‌توان بر پایه روابط جانشینی با دیگر واژه‌ها، اجزای سازنده (تکواژها) خاصی را بازشناسی نمود. از این رو در نظریه صرف ساختی، واژه در مقام نقطه آغاز مطالعه‌های صرفی در نظر گرفته می‌شود و نه تکواژها. ۴. این پژوهش توانست چندمعنایی حاضر در فعل‌های مرکب با همکرد «گرفتن» را شناسایی و با

¹ constructional polysemy

² schematization

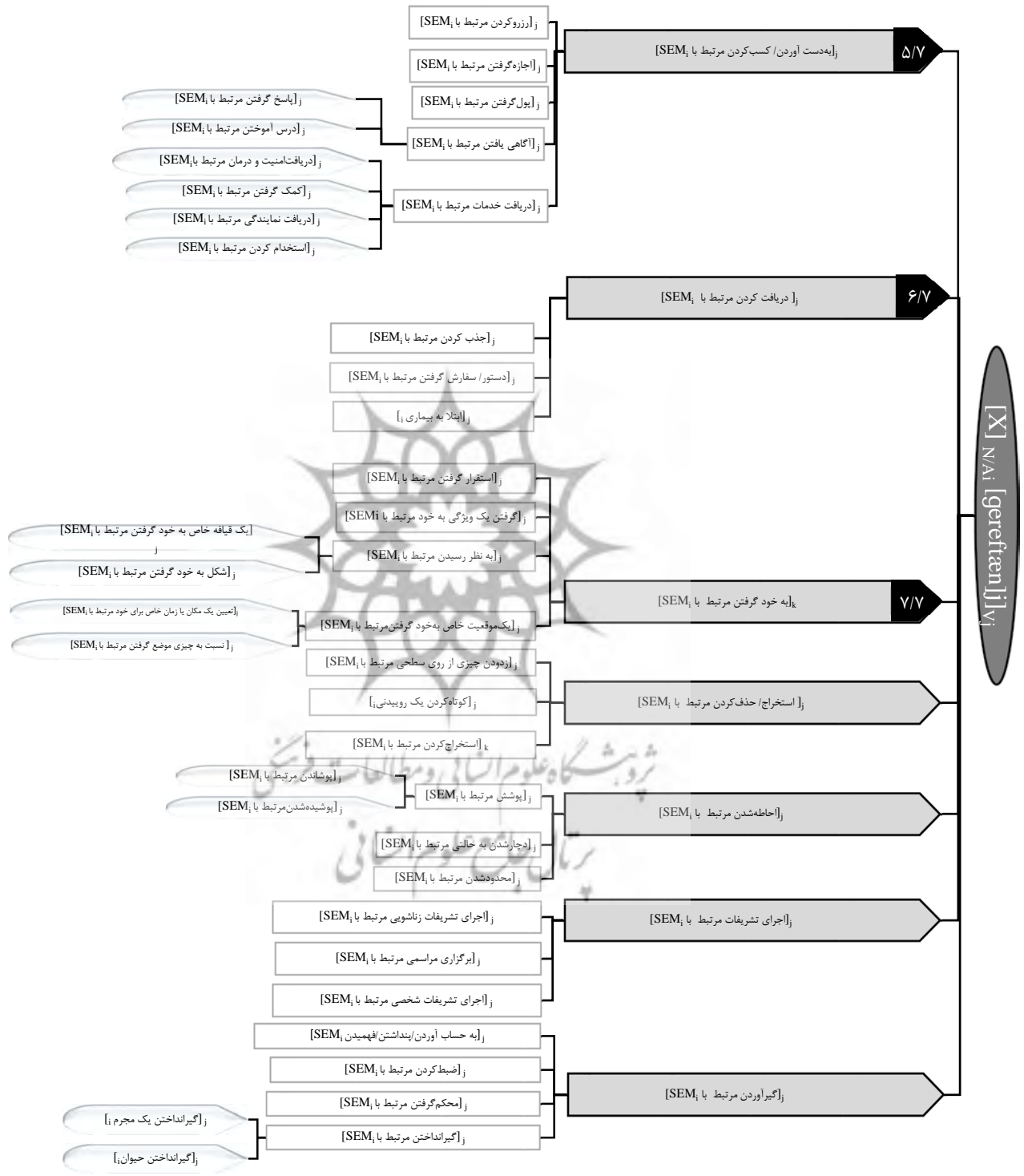
سازوکارهای نظریه صرف ساختی، مانند طرح‌واره‌های ساختی و زیرطرح‌واره‌های ساختی، چندمعنایی را تبیین کند.

در آخر این پژوهش توانست به شبکه پایگانی و سلسله‌مراتبی از طرح‌واره‌های ساختی و زیرطرح‌واره‌های ساختی که نشان‌دهنده چندمعنایی ساختی بین فعل‌های مرکب همراه با همکرد «گرفتن» است را ترسیم کند. شکل (۱۰) نمایی کلی از شبکه پایگانی و سلسله‌مراتبی از طرح‌واره‌های ساختی و زیرطرح‌واره‌های ساختی فعل‌های مرکب همراه با همکرد «گرفتن» را نشان می‌دهد.



۲۴۸ بررسی چندمعنایی فعل‌های مرکب فارسی با همکرد گرفتن

پریا رزم‌بیده



شکل ۱۰. ساختار شبکه‌ای و پایگانی و سلسله مراتبی طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی فعل‌های مرکب همراه با همکرد گرفتن

منابع

- اسدی، غزال (۱۳۹۹). بررسی طرحواره‌های ساختی ترکیب‌های برون‌مرکز سه جزئی در زبان فارسی: تحلیلی در چارچوب نظریه صرف ساخت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- امیر ارجمندی، سیده‌نازنین. و مصطفی عاصی (۱۳۹۲). زبانی فرایند ترکیب در زبان فارسی. *زبان‌شناخت*، ۴(۷)، صص. ۱-۱۴.
- انوری، حسن و حسن احمدی‌گیوی (۱۳۹۲). *دستور زبان فارسی*. ۲. ویرایش چهارم، چاپ ۳، تهران: فاطمی. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. چاپ ۳۰، تهران: امیرکبیر.
- بامشادی، پارسا و فریبا قطره (۱۳۹۶). چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی: کندوکاوی در چارچوب ساختواژه ساختی. *جستارهای زبانی*، ۷-۸ (۴۲)، صص. ۲۸۹-۲۶۵.
- بامشادی، پارسا، شادی انصاریان و نگار داوری اردکانی (۱۳۹۷). چندمعنایی پسوند «-انه» فارسی: رویکرد ساختواژه ساختی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۶ (۲۲)، صص. ۳۹-۲۱.
- بامشادی، پارسا، شادی انصاریان و نگار داوری اردکانی (۱۴۰۰). پسوندهای «-زار» و «-کده» و «-ستان» فارسی در چارچوب ساخت واژه ساختی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۹ (۱)، صص. ۴۱-۲۱.
- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: مدرسه.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. چاپ ۹. تهران: کتابفروشی تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴). فعل مرکب در زبان فارسی. در پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی: مجموعه مقالات، به کوشش علی‌اکبر رزدام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رزم‌دیده، پریا و ساره خیرمند (۱۳۹۹). چندمعنایی واژه‌های پیچیده مختوم به «نامه» در چارچوب صرف ساختی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱۲ (۲)، صص. ۹۸-۵۹.
- رفیعی، عادل (۱۳۹۱). مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۲ (۷)، صص. ۱۹-۳۲.
- رفیعی، عادل و سارا ترابی (۱۳۹۳). وراثت و انگیختگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان فارسی. *علم زبان*، ۲ (۳)، صص. ۴۹-۶۶.
- رفیعی، عادل. و ایمانی، آوا. و عموزاده، محمد. (۱۳۹۷). تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام‌اندام «دل» در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)*، ۹ (۲)، صص. ۴۳-۲۳.

- شریف، بابک (۱۳۹۴). بررسی شناختی افعال سبک در زبان فارسی. رساله دکتری. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شریفی، شهلا (۱۳۹۰). بررسی معنایی افعال مرکب اندام بنیاد از دیدگاه معناشناسی شناختی. ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، صص. ۲۹۹۰-۳۰۰۰.
- صادقی، علی‌اشرف و زندی مقدم، زهرا (۱۳۹۴). فرهنگ املایی خط فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کریمی دوستان، غلامحسین، و زهرا روحی بایگی (۱۳۹۵). بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی. جستارهای زبانی، ۷ (۳)، صص. ۱۴۸-۱۲۹.
- کشانی، خسرو (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی زانسو. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- گندمکار، راحله (۱۳۸۸). بررسی معنایی افعال مرکب اندام بنیاد در زبان فارسی: رویکردی شناختی. رساله دکتری زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- لازار، ژیلبر (۱۳۹۳). دستور زبان فارسی معاصر. با ترجمه مهستی بحرینی، جلد ۳، تهران: هرمس.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، جلد ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۹۲). فعل سبک در افعال مرکب فارسی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱ (۱)، صص. ۷۷-۱۰۴.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۹۲). دستور زبان فارسی. چاپ ۲۶. تهران: توس.
- Arkan, F. & A. Safari, (2017). An analysis of Persian compound nouns as constructions. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 9(1), pp. 33-58.
- Baker, M. C. (1988). *Incorporation: A theory of grammatical function changing*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Baker, M. C. (1996). *The polysynthesis parameter*. Oxford: Oxford University Press.
- Booij, G. (2007). Construction morphology and the lexicon. In: F. Montermini, G. Boye & N. R. Hathout (Eds.), *Selected Proceedings of the 5th Decembrettes: Morphology in Tolouse* (pp. 33-44). Somerville: Cascadilla Proceedings Project.
- Booij, G. (2009). Phrasal names: A constructionist analysis. *Word structure*, 2 (2), pp. 219-240.
- Booij, G. (2010a). Compound construction: schemas or analogy? In S. Scalise & I. Vogel (Eds.), *a construction morphology perspective. Cross-disciplinary issues in compounding*. pp.93-108. Amsterdam: John Benjamins.
- Booij, G. (2010b). *Construction morphology*. Oxford: Oxford University Press.

- Booij, G. (2012). Construction Morphology, a brief introduction. *Morphology*, 22 (3), pp. 343-346.
- Booij, G. (2013). Morphology in construction grammar. In T. Hoffmann & G. Trousdale (eds.), *The Oxford handbook of construction grammar*. pp. 255-274. Oxford: Oxford University Press.
- Booij, G. (2014). Language use and the architecture of grammar: A construction morphology perspective. *Suvremena lingvistika*, 40 (78), pp. 193-212.
- Booij, G. (2015). *The structure of words*. Chapter 11 of John Taylor (ed.), *The Oxford Handbook of the Word*, 157-174. Oxford: Oxford University Press.
- Croft, W. (2007), Construction grammar, In D. Geeraerts & H. Cuykens (eds.), *The Oxford handbook of cognitive linguistics*. pp. 463-509. Oxford: Oxford University Press.
- Culicover, P. W. & R. Jackendoff (2005). *Simpler syntax*. Oxford: Oxford University Press.
- Culicover, P. W., & Jackendoff, R. (2006). The simpler syntax hypothesis. *Trends in cognitive sciences*, 10 (9), pp. 413-418.
- Family, N. (2006) *Exploration of semantic space: The case of light verb construction in Persian*. PhD Dissertation. Ecole des Hautes Etudes en Sciences Sociales.
- Goldberg, A. E. (2009). Constructions work. *Cognitive Linguistics*, 20(1), pp. 201-224.
- Langacker, R. (1987). *Foundations of cognitive grammar*. Stanford. Calif.: Stanford University Press
- Jackendoff, R. (2007). A parallel architecture perspective on language processing. *Brain Research*, 1146. pp. 2-22.
- Karimi-Doostan, G. (1997). *Light verb construction in Persian*. PhD dissertation, Essex University.
- Loebner, S. (2013). *Understanding semantics*. 2nd ed. London/ New York: Routledge.
- Megerdooomian, K. (2004). A semantic template for light verb constructions. In *Proceedings of First Workshop on Persian Language and Computers*. Tehran: Tehran University.
- Mithun, M. (1984). *The evolution of noun incorporation*. *Language*, 60 (4), pp. 847-894.
- Rasooli, M. S., A. S. Moloodi, M. Kouhestani, B. Minaei Bidgoli (2011). A syntactic valency lexicon for Persian verbs: The first steps towards Persian dependency treebank. In *5th Language & Technology Conference (LTC): Human Language Technologies as a Challenge for Computer Science and Linguistics, Poznań, Poland*, pp. 227-231.
- Riemer, N. (2005). *The semantics of polysemy; reading meaning in English and Walpiri*. Berlin/ New York: De Gruyter Mouton.

Polysemy in Persian Compound Verbs within Construction Morphology Theory: The Case of Gereftæn Light Verb

**Parya Razmdideh
Mohammad Hasanshahi Raviz**

Abstract

The present study aims at examining the patterns of Persian compound verbs formation with “gereftæn” light verb and their polysemy based on Construction Morphology theory (Booij, 2010a & b). The data of this study which includes 300 compound verbs with the light verb “gereftæn” are gathered from Zanso dictionary (Keshani, 1994), Sokhan (2002), syntactic valency lexicon for Persian verbs corpus (Moloudi, Kouhestani and Rasouli, 2011), Persian calligraphy spelling dictionary (Sadeghi and Zandi Moghaddam, 2016), and Persian online dictionary. To explain the polysemy between the compound verbs and to recognize their construction pattern, by accepting the idea of using the concept of structural scheme and sub-scheme, all meanings to each pattern of formation of these verbs in the form of sub-scheme was drawn separately. However, these structural sub-schemas were at different levels of abstraction. According to the concepts of default inheritance, the motivation and hierarchy of lexicon, all structural sub-schemas were placed under a high-order general abstract scheme. The results showed that the polysemy analysis of linguistic units within construction morphology framework, cognitive approach, construction-based and “word-based” which occurred at the abstract level of the structural scheme. For compound verbs formation with “gereftæn” light verb, seven general structural schemes were identified and plotted, each of which was divided into several structural sub-schemes. Finally, a complete network and hierarchy of these construction schemas were presented.

Keywords: Compound Verb, Construction Morphology, Constructional Schemas, Polysemy, Light Verb “Gereftæn”